



<https://ecs.ui.ac.ir/?lang=en>

Journal of Endowment & Charity Studies

E-ISSN: 3115-7475

Vol.3, Issue.2, No.6, 2025, pp 117- 140

Received: 28/08/2025 Accepted: 03/11/2025

Research Paper

Social and Cultural Predicaments of Female-Headed Households Related to Charitable Institutions in Behbahan

Zohreh Freydounian 

Ph.D. Student of Sociology, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
zfreydounian@yahoo.com

Maryam Mokhtari* 

Associate Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
Mmokhtari@yu.ac.ir

Siroos Ahmadi 

Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, Yasouj University, Yasouj, Iran
Sahmadi@yu.ac.ir

Introduction

The number of female-headed households has significantly increased worldwide. In Iran as well, these households now account for more than 14% of all families. Female heads of households are women who, due to reasons such as divorce, the death of a spouse, irresponsible husbands, or singlehood, must manage the family independently. Female household headship intensifies poverty and economic hardship, and consequently gives rise to numerous social and cultural problems. In Iran, charitable organizations help alleviate the economic challenges faced by these women. However, when women lose their spouses due to divorce or death and come under the support of charities or welfare institutions, they often encounter cultural and social difficulties. The attitudes of charity staff and the broader community—who tend to perceive them as “lonely” and “needy” women—create stigmatizing conditions both within these institutions and in their everyday social environments, sometimes altering the course of their lives altogether. This study specifically examines the social and cultural constraints experienced by women seeking assistance from charitable organizations in Behbahan. The central research question is: What types of social and cultural barriers do female-headed households encounter in institutional settings and in their daily lives? More specifically, what are the cultural and social constraints manifested within the charity institutions and extending into their broader social contexts?

Methodology

This research employs thematic analysis to identify the social and cultural constraints faced by female-headed households. A qualitative approach was adopted, using Braun and Clarke’s six-phase thematic analysis method (2006), including text segmentation and description, interpretation, and synthesis. Semi-structured interviews were conducted with ten female heads of households, most of whom were divorced, selected through purposive sampling. The study ensured interpretive validity by presenting the results to experts and scholars and modifying the thematic findings based on their feedback to ensure credibility and accuracy.

Findings

*Corresponding Author

Freydounian, Z., Mokhtari, M., & Ahmadi, S. (2025). Social and cultural predicaments of female-headed households related to charitable institutions in Behbahan. *Journal of Endowment & Charity Studies*, 3(2), 117-140.
<https://doi.org/10.22108/ecs.2025.146464.1144>

3115-7475© The Author(s). Published by University of Isfahan

This is an open access article under the CC BY-NC 4.0 License (<https://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0>).



<https://doi.org/10.22108/ecs.2025.146464.1144>

The main emerging themes included:

- **Inferiorization** – consisting of humiliating treatment, perceptions of dependency, and administrative delays.
- **Instrumental view toward women** – reflected in gendered participation spaces, the shift from public to private domains, and harassment.
- **Deprivation through powerlessness** – manifested in restrictions on administrative access and being deprived of institutional services.

In their everyday lives, two additional major themes were identified:

- **Suppressed gendered empowerment** – including internalized helplessness, self-devaluation, and weak social support-seeking.
- **Sexual stereotyping of female heads of households** – involving exposure to sexual labeling and sexual exploitation.

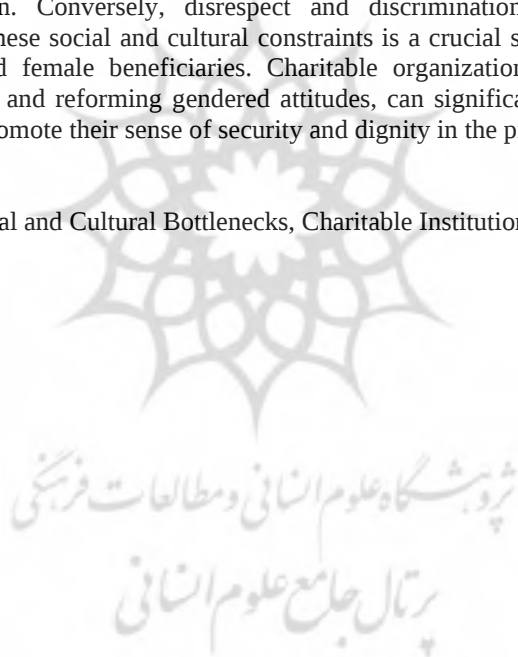
The overarching category derived from these cultural and social constraints was conceptualized as “Gendered Insecurity in the Struggle for Livelihood”.

Discussion and Conclusion

Female-headed households, faced with economic hardships, often turn to charities as a means of livelihood. However, this path is burdened with socially and culturally gendered challenges, eventually leading to gender-based insecurity in their efforts to sustain themselves. A woman’s act of seeking help from a charity conveys a message to such institutions that women approach them to escape existing insecurities in society. Yet, paradoxically, these spaces often fail to provide them with genuine social safety. Respectful treatment of these women within charitable organizations can help challenge societal stigmatization. Conversely, disrespect and discrimination amplify social vulnerability and internalized stigma. Identifying these social and cultural constraints is a crucial step toward improving the interaction between support institutions and female beneficiaries. Charitable organizations, by training their staff in social awareness and gender sensitivity and reforming gendered attitudes, can significantly reduce the difficulties faced by female-headed households and promote their sense of security and dignity in the process of livelihood attainment.

Keywords

Female-Headed Households, Social and Cultural Bottlenecks, Charitable Institutions.



مقاله پژوهشی

تنگناهای اجتماعی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار مراجعه کننده به مؤسسه های خیریه شهرستان بهبهان

زهره فریدونیان^۱ , مریم مختاری^۲  و سیروس احمدی^۳ 

۱. دانشجوی دکتری، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

zfreydunian@yahoo.com

۲. دانشیار، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

Mmokhtari@yu.ac.ir

۳. استاد، گروه علوم اجتماعی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه یاسوج، یاسوج، ایران

Sahmadi@yu.ac.ir

چکیده

در ایران، مؤسسه های خیریه به کاهش چالش های اقتصادی زنان سرپرست خانوار کمک می کنند. این پژوهش به طور ویژه، تنگناهای اجتماعی و فرهنگی زنان مراجعه کننده به مؤسسه های خیریه را مطالعه می کند. این پژوهش با روش تحلیل مضمون، به دنبال شناسایی تنگناهای اجتماعی و فرهنگی این زنان است. به همین منظور، با ۱۰ زن سرپرست خانوار که حسب گزارش ها عمدتاً زنان مطلقه بوده اند و با روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند، مصاحبه نیمه ساختار یافته با پرسش های باز انجام شد. بر اساس یافته ها، مضمون های اصلی پژوهش شامل فرودست انگاری، نگاه ابزاری به زنان سرپرست خانوار و محرومیت های ناشی از بی قدرتی در محیط مؤسسه خیریه و نیز مضمون های اصلی توانمندی جنسیتی سرکوب شده و جنسی نگری به زن سرپرست خانوار در محیط زندگی روزمره گزارش شده اند. مقوله نهایی حاصل از تنگناهای فرهنگی اجتماعی این زنان «ناامنی جنسیتی در تلاش برای معاش» بود. زنان سرپرست خانوار که با مشکلات اقتصادی مواجه هستند، در جست و جوی امرار معاش به مؤسسه های خیریه پناه می برند. با این حال، این مسیر با تنگناهای اجتماعی و فرهنگی همراه است. این تنگناها عمدتاً مبتنی بر جنسیت و نگاه جنسیتی هستند که در نهایت، به ناامنی جنسیتی در راه تلاش برای تأمین معاش منجر می شود. مؤسسه های خیریه با آموزش مهارت های اجتماعی و اصلاح باورهای جنسیتی در کارکنان خویش، می توانند از مشکلات زنان سرپرست خانوار بکاهند و در راه تأمین معاش، امنیت بیشتری برای آنها فراهم آورند.

واژه های کلیدی: زنان سرپرست خانوار، تنگناهای اجتماعی و فرهنگی، مؤسسه های خیریه.

*نویسنده مسئول

فریدونیان، ز.، مختاری، م.، و احمدی، س. (۱۴۰۴). تنگناهای اجتماعی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار مراجعه کننده به مؤسسه های خیریه

شهرستان بهبهان. مطالعات وقف و امور خیریه، ۳(۲)، ۱۱۷-۱۴۰. <https://doi.org/10.22108/ecs.2025.146464.1144>



۱- مقدمه

یکی از برجسته ترین نمادها در دنیای معاصر تحولات گسترده در ساختار خانواده و تغییرات عمیق در آشکال آن است (Kim et al., 2010: 552). از نظر پژوهشگران مختلف، این تحولات به واسطه فرایندهای صنعتی شدن، شهرنشینی، جهانی شدن، نوسازی و پیشرفت فناوری به وجود آمده و سبب شکل گیری انواع جدید خانواده از جمله «زنان سرپرست خانوار»^۱ شده اند. نتایج پژوهش ها نشان می دهد ابتدا در کشورهای صنعتی، تعداد خانوارهای زن سرپرست از دهه ۱۹۷۰ به دلیل تغییرات جمعیتی و اقتصادی-اجتماعی همچون افول خانواده گسترده، گسترش حقوق زنان مانند حق طلاق و حضانت کودکان، مشارکت اقتصادی زنان و بالارفتن سن ازدواج، به سرعت افزایش یافته است (Milazzo & Van de Walle, 2015: 4) و در سال های اخیر در تمام کشورها از جمله توسعه یافته و در حال توسعه، تعداد زنان سرپرست خانوار افزایشی جالب توجه داشته است (El-Lawindi et al., 2018; Hübgen, 2018: 168)؛ به طوری که برآورد می شود اکنون در سراسر دنیا بیشتر از یک سوم سرپرست خانوارها را زنان تشکیل می دهند (Mwangi, 2017: 11-14).

در ایران نیز، بر اساس آمار مرکز ایران، تعداد خانوارهای با سرپرست زن بالغ بر سه میلیون و نیم خانوار است که بیش از ۱۴ درصد از کل خانوارهای ایران را در بر می گیرد و به طور متوسط دارای رشد سالانه ۲۰ درصد است (مرکز آمار ایران، ۱۴۰۲). از آنجا که زنان سرپرست خانوار در تأمین معاش خانواده با مشکلات بسیاری مواجه هستند، این امر باعث شده است تا این پدیده به یک مسأله مهم اجتماعی تبدیل شود. مطالعات فراوان بر شاخص های اقتصادی و رابطه میان سرپرستی زنان و فقر تأکید کرده اند (Hübgen, 2020; Harkness, 2018; صدرنوبی و همکاران، ۱۴۰۱؛ مختاری و دهقانی، ۱۴۰۰) که بیانگر «زنانه شدن فقر»^۲ است (Liu et al., 2017: 317). بسیاری از پژوهشگران ادعا کرده اند این خانوارها «فقرترین فقرا» محسوب می شوند. زن سرپرست خانوار به طور خودکار پیامد فقر است و سرپرستی زنان، خود فقر را تشدید می کند؛ زیرا زنان در زمینه اشتغال و درآمد وضعیتی نامساعد دارند (شیانی و زارع، ۱۳۹۸: ۷۲). موضوع فقر، زنان سرپرست خانوار را سریع تر تحت تأثیر قرار می دهد؛ زیرا این زنان هم زمان مسئولیت دوگانه زن و مرد در خانواده را به عهده دارند. هرچند مشکلات اقتصادی گریبان گیر بیشتر زنان سرپرست خانوار است، پژوهش های متعدد نشان می دهند مشکلات اقتصادی در ادامه مشکلات غیراقتصادی متعددی را برای این زنان به بار می آورد. از این رو، آنان با مشکلات عدیده اجتماعی و فرهنگی در محیط پیرامون خویش مواجه می شوند. گسترش تعداد زنان سرپرست خانوار باعث شده است آنان بیش از دیگر ساختارهای خانوادگی به دولت و نهادهای حمایتی نیازمند باشند (Mortelmans & Defever, 2018: 257). مؤسسه های خیریه یکی از مهم ترین نهادهای حمایتی برای زنان سرپرست خانواده در کشور ایران هستند و وجود چنین سازمان های خیریه ای می تواند تا حدودی از مشکلات زنان نیازمند سرپرست خانوار گره گشایی کند. حسب شواهد، بیش از ۳۰ هزار مؤسسه خیریه و ۷۰ هزار تشکل اجتماعی مردم نهاد و خیراندیش در ایران فعالیت دارند (سازمان اوقات و امور خیریه، ۱۴۰۲). وجود این مؤسسه های خیریه و تشکل ها هرچند می تواند تا حدودی از مشکلات اقتصادی زنان نیازمند گره گشایی کند، در همین فرایند، زنان سرپرست خانوار و عمدتاً فاقد همسر درگیر چالش هایی می شوند که کمتر مورد توجه قرار گرفته اند. به عبارتی، در اولین مراحل سرپرست خانوار شدن، مناسبات اجتماعی این زنان شکل طبیعی خود را از دست می دهد (مختاری و دهقانی، ۱۴۰۰: ۸۳).

¹ Female-headed households

² Feminization of poverty theory



پژوهش حاضر در استان خوزستان و شهرستان بهبهان انجام شده است. استان‌های خوزستان، سیستان و بلوچستان، آذربایجان شرقی، خراسان رضوی، مازندران، فارس و تهران به ترتیب بیشترین جمعیت زنان سرپرست خانوار تحت پوشش کشور را دارند (سازمان بهزیستی استان خوزستان، ۱۴۰۲: ۳). بالغ بر تعداد ۹۰ هزار نفر (۶۱ هزار نفر تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی و ۳۱ هزار و ۱۷۹ نفر تحت حمایت سازمان بهزیستی) زن سرپرست خانوار در خوزستان وجود دارند (استانداری خوزستان، ۱۴۰۳). شهرستان بهبهان در جنوب شرق این استان، به لحاظ تعداد زنان سرپرست خانوار تحت پوشش نهادهای حمایتی، رتبه سوم را در استان داراست. در این شهرستان، دست‌کم هفت مؤسسه خیریه فعالیت دارند و روزانه تعدادی جالب توجه از زنان برای دریافت به این مؤسسه‌ها مراجعه می‌کنند. دلیل انتخاب این شهر این است که با وجود کوچک‌بودن شهر، رتبه سوم را در استان داراست که این امر می‌تواند بیانگر فراوانی زنان نیازمند به مؤسسه‌های خیریه در یک شهرستان کوچک باشد و از این رو، مطالعه تنگناهای اجتماعی فرهنگی آنان معرف دیگر شهرهای این استان باشد. بنا به گفته کریمیان (سازمان بهزیستی استان خوزستان، ۱۴۰۴)، روزانه تعدادی زیاد از نیازمندان به بهزیستی و مؤسسه‌های خیریه مراجعه می‌کنند، اما این مؤسسه‌ها قادر به پاسخ‌گویی به آنان نیستند. در حالی که پژوهش‌های موجود عمدتاً بر مسائل اقتصادی زنان سرپرست خانوار با استفاده از روش‌های کمی تمرکز داشته و کمتر به مسائل فرهنگی و اجتماعی این زنان توجه کرده‌اند، پژوهش حاضر بر تنگناها و مشکلات فرهنگی و اجتماعی زنان سرپرست خانوار توجه دارد. هنگامی که زنان به دلایل طلاق یا فوت، همسر خود را از دست می‌دهند و تحت حمایت نهادهای حمایتی خیریه قرار می‌گیرند، نگاه کارکنان این مؤسسه‌ها و جامعه به آنها به عنوان زنانی تنها و نیازمند سبب شکل‌گیری مشکلات فرهنگی و اجتماعی در محیط مؤسسه‌ها و نیز محیط زندگی اجتماعی روزمره برای آنان می‌شود که گاهی مسیر زندگی آنها را به طور کامل عوض می‌کند. با توجه به تعداد زیاد زنان سرپرست خانوار در بهبهان، این پژوهش به دنبال آن است تا با استفاده از یک رویکرد تفسیری، تنگناهای فرهنگی اجتماعی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه را در محیط‌های مؤسسه خیریه و زندگی اجتماعی روزمره واکاوی کند. در این پژوهش، به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که در محیط‌های مؤسسه و زندگی اجتماعی روزمره، زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه با چه تنگناهای اجتماعی و فرهنگی روبه‌رو می‌شوند؟ تنگناهای اجتماعی در محیط مؤسسه و به فراخور آن تنگناهای فرهنگی و اجتماعی در محیط اجتماعی چه هستند؟

۲- ادبیات نظری و پیشینه پژوهش

از آنجا که در پژوهش کیفی، نظریه‌ها به منظور اخذ مفاهیم حساس به کار می‌روند، در ادامه به نظریه‌های مرتبط با زنان اشاره می‌شود. زنان مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه زنانی هستند که نیاز مالی دارند. در این خصوص، نظریه «زنانه‌شدن فقر» به مسائل زنان بر اساس مفاهیمی همچون نابرابری، ظلم به زنان و مسئله مادری اشاره دارد (شهریاری و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۱). این نظریه بیشتر مشکلات زنان را از دریچه فقر و مشکلات اقتصادی می‌بیند. نظریه دوم نظریه «داغ ننگ»^۱ است که به نقش باورهای فرهنگی و اجتماعی در ایجاد مشکلات زنان اشاره می‌کند.

پژوهش‌های ابتدایی در تعریف فقر تأکید زیادی بر درآمد و مشکلات اقتصادی داشتند، اما کم‌کم درکی شکل گرفت که فقر و افراد فقیر را فقط وابسته به درآمد نمی‌دانست و عوامل مختلف همچون جنسیت را در به وجود آمدن یا تشدید فقر

¹ Stigma



مؤثر می‌دید. به این ترتیب، تعاریفی جدید از فقر شکل گرفتند. کتاب *صدای فقر* حاصل مصاحبه با ۶۴۰۰ فقیر در سراسر جهان است که در زمینه شناخت فقر منتشر شده است. بر اساس این مطالعه، فقرا در پاسخ به پرسش از چیستی فقر به این موارد اشاره کرده‌اند که فقر دسترسی نداشتن به غذای کافی، ناپایداری معیشت و اشتغال، مشکل مسکن و سرپناه، وجود گرسنگی، رنج و ناراحتی، خستگی مفرط، روابط اجتماعی نامناسب مانند طردشدن، محرومیت و انزوای اجتماعی، احساس ناامنی، آسیب‌پذیری، ترس و اضطراب و در نهایت، احساس بی‌قدرتی، درماندگی، ناامیدی و خشم است (زارع و صفری، ۱۳۹۸: ۶۰). با توجه به تبعیض‌های درآمدی و اجتماعی زنان نسبت به مردان هنگامی که فقر با جنسیت ترکیب می‌شود، فقر چهره‌ای زنانه به خود می‌گیرد. زنانه‌شدن فقر به فرایندی اشاره دارد که در آن عوامل فرهنگی، اجتماعی و ساختاری عمیق و چندبعدی باعث ایجاد و تشدید فقر در میان زنان و دختران می‌شوند (Melo, 2019: 78). زنان اکثریت فقرای جهان را تشکیل می‌دهند، شیوع فقر در میان زنان نسبت به مردان در طول زمان در حال افزایش است و فقر فزاینده در میان زنان با «زنانه‌شدن» سرپرستی خانوار مرتبط است (Chant, 2006: 201). از این رو، باید توجه بیشتری به ماهیت چندبعدی فقر و اینکه چرا آزادی‌ها، قدرت و امتیازات همچنان به سمت مردان متمایل است، معطوف شود. بین ۶۰ تا ۷۰ درصد فقرای جهان را زنان تشکیل می‌دهند و احتمال افزایش فقر در میان آنان نیز وجود دارد (شادی طلب و گرابی نژاد، ۱۳۸۳: ۴۹). نظریه زنانه‌شدن فقر حکایت از این دارد که گسترش تعداد این زنان در عرصه جهانی توأم با گسترش فقر آنان بوده است. گفته می‌شود این زنان یا عمدتاً بیکاری را تجربه می‌کنند یا اینکه مجبور می‌شوند در مشاغل حاشیه‌ای نیمه‌وقت غیررسمی و کم‌درآمد مشغول به کار شوند (بختیاری و محبی، ۱۳۸۵).

چانت^۱ یکی از نظریه‌پردازان زنانه‌شدن فقر است. وی می‌گوید: «شیوع فقر در میان زنان در طول زمان نسبت به مردان در حال افزایش است و این فقر رو به رشد در میان زنان با «زنانه‌شدن» سرپرستی خانوار مرتبط است». این تعریف، به طور ضمنی، بر درآمد و فقر مادی متمرکز است (Chant, 2006: 202). چانت همچنین یادآور می‌شود فقر چندبعدی است؛ زیرا همچنان قدرت و امتیازات به سمت مردان متمایل است (Chant, 2015).

چانت سه دلیل برای زنانه‌شدن فقر ارائه می‌دهد: «عدم دسترسی به حقوق و امکانات برابر در مقایسه با مردان؛ مسئولیت کاری و درآمد کمتر و محدودیت‌های تحرک اقتصادی-اجتماعی مرتبط با فرهنگ و موانع قانونی و محدودیت‌های موجود در بازار کار» (Chant, 2006).

مشکل زنان سرپرست خانواری که بخواهند مشاغل دارای منزلت بالا داشته باشند، تنظیم وقت برای انجام کار است. این مشکل را صاحب‌نظران «فقر زمانی» نامیده‌اند و فقر زمانی اگر با فقر مادی همراه شود، آسیب‌پذیری این قشر را دوچندان می‌کند؛ به این صورت که حتی اگر این زنان در مشاغل با منزلت بالا مشغول به کار باشند، در تنظیم وقت برای انجام کار خانگی و کار بیرون از خانه دچار مشکلاتی می‌شوند (بختیاری و محبی، ۱۳۸۵). در مجموع، باید گفت نظریه زنانه‌شدن فقر علت اصلی آسیب‌پذیری زنان و کودکان را «تبعیض‌های جنسیتی» می‌داند.

دیگر مفهوم برجسته در جامعه‌شناسی که به تنگناهای اجتماعی اشاره دارد، مفهوم «داغ ننگ» است. در جامعه‌شناسی، این مفهوم اولین بار توسط اروینگ گافمن^۲ مورد توجه قرار گرفت. داغ ننگ صفتی است که کلیشه‌های بی‌ارزش‌شده را منتقل

¹ Chant

² Erving Goffman



می‌کند. اروینگ گافمن داغ ننگ را به طور کلاسیک به عنوان «صفتی که عمیقاً بی‌اعتبارکننده است» تعریف کرد (Goffman, 1963: 137). دیدگاه گافمن انگ یک جنبه عمومی از زندگی اجتماعی است که تعاملات خرد روزمره را پیچیده می‌کند. افراد دارای انگ ممکن است از تعامل با کسانی که انگ آنها را ندارند، محتاط باشند و کسانی که فاقد یک انگ خاص هستند ممکن است افراد دارای انگ را تحقیر کنند یا تلاش کنند آنها را نادیده بگیرند (Clair, 2018: 1). گافمن می‌گوید بیشتر مردم نقش انگ‌خورده بودن را «دست‌کم در برخی ارتباطات و در برخی مراحل زندگی» تجربه می‌کنند (Goffman, 1963: 138). پس از برچسب‌خوردن، این افراد با بی‌اعتبار شدن نزد افراد عادی، محرومیت اجتماعی را تجربه می‌کنند که به نوبه خود به احساس تنهایی و دلخوری منجر می‌شود (Simons, 2018: 2). مطالعات نشان می‌دهند بسیاری از مشکلات زنان سرپرست خانوار نتیجه برچسب‌هایی است که طی روابط اجتماعی و فرهنگی نمایان می‌شود. زنان سرپرست خانوار که حمایت دارا بودن همسر را از دست می‌دهند، در مقایسه با زن دارای همسر، مسئولیت‌های زندگی بیشتری به عهده دارند. شرایط متفاوت، آنان را به یک گروه خاص تبدیل می‌کند که به دلیل زن بودن و از طرف دیگر، تنها بودن، در معرض نگاه‌های جنسیتی هستند که نوعی انگ اجتماعی را به همراه دارد.

در حوزه مشکلات زنان سرپرست خانوار، بیشتر پژوهش‌های کیفی با روش‌های پدیدارشناسی، تحلیل محتوا یا نظریه زمینه‌ای انجام شده‌اند. در پژوهش وجدانی و همکاران (۱۴۰۱) به روش کیفی و مصاحبه با ۱۰ زن سرپرست خانوار، دو مفهوم اصلی «تغییر روال عادی زندگی، مشکلات اداره زندگی» و چهار مفهوم فرعی شامل «تغییر نقش و احساس والد، پیشرفت در زندگی، تنهایی، نگرانی از آینده فرزندان» استخراج شده‌اند. در پژوهش حسنی و محمدزاده (۱۴۰۲)، تجربه زیسته مادران سرپرست خانوار تحت پنج مقوله اصلی «مادری نگران»، «فداکاری مادرانه»، «هویت‌یابی از نقش‌های متکثر و متعارض»، «فشار مالی مضاعف» و «سازگاری نابه‌هتاج» حاصل شده است. نتایج پژوهش مختاری و دهقانی (۱۴۰۰) به روش پدیدارشناسی، بر روی ۱۱ زن سرپرست، در بُعد روابط زیسته، تلاش برای فاصله‌گیری و بازاندیشی رابطه‌ها، مبنی بر این بوده است که اهمیت بدن در کسب شرافت زن و بدن محملی برای رفع حاجات دوسویه متضادی هستند که زنان سرپرست در مواجهه متعارض با بدن خود برگزیده‌اند. در بُعد فضای زیسته، مصاحبه‌شوندگان این پژوهش بر ناامنی و مسموم بودن فضای زندگی حقیقی و مجازی، همچنین نارضایتی از قوانین و محیطی تهی از اعتماد، متفق‌القول هستند. مبهم بودن زمان و شرط و شروطی که زمان برایشان ایجاد می‌کند، مشخصه ویژه بعد زمان زیسته زنان سرپرست شده است. یافته‌های مطالعه سفیری و همکاران (۱۳۹۹) بر روی ۳۰ زن سرپرست خانوار با روش نظریه زمینه‌ای حاکی از یک فضای جنسیت‌زده است که از خلال تحلیل‌های آنها، هشت مقوله طرد خودخواسته، احساسات ناشی از حقارت و بی‌هویتی، اختلال در سلامت اجتماعی و روانی، عادت‌واره‌های فرهنگی، زنانه شدن فقر، بازتولید کلیشه‌های جنسیتی، تعدد و فشار نقش‌ها، ایجاد بدیل‌های جبران‌کننده و عدم اعتماد به استمرار حمایت‌های نهادی و خانوادگی از بطن مفاهیم استخراج شده‌اند. همتی و کریمی (۱۳۹۷) با روش پدیدارشناسی تفسیری بر روی ۱۰ زن مطلقه سرپرست خانوار، تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار را تحت سه مضمون اصلی «سرپرستی به مثابه بازتعریف مناسبات با جامعه، سرپرستی به مثابه تجربه احساسی ناخوشایند و سرپرستی به مثابه شکلی دیگر از زیست اجتماعی» و یازده مضمون فرعی دسته‌بندی کرده‌اند. افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵) از طریق مصاحبه با ۳۵ نفر از زنان سرپرست خانوار، مقوله «حریم ناامن» را به منزله پدیده اصلی استخراج کردند و نشان دادند زنان سرپرست خانوار در تعاملات اجتماعی روزمره خود با مسائل و

کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند که تجربهٔ حریم ناامن را برای آنان به همراه دارد. کادلوکا^۱ (۲۰۱۹) با استفاده از مطالعهٔ پدیدارشناختی، ۴۰ شرکت‌کنندهٔ زن را شناسایی کرد و یافته‌ها نشان داد زنان از تغییر نقش‌های جنسیتی حمایت می‌کنند و در عین حال، از گنجینه‌های زبانی برای حفظ باورهای سنتی نقش جنسیتی که مردسالاری را تقویت می‌کند، استفاده می‌کنند. آموزش ضعیف، رابطهٔ جنسی برای شغل، زنانه‌شدن کار، بارداری‌های نوجوانی، بار مراقبت، بار وابستگی، تبعیض، غیبت پدران و ناتوانی در ایجاد تعادل بین کار و خانواده، چالش‌هایی هستند که زنان سرپرست خانوار را تحت حملهٔ مداوم قرار می‌دهند.

تعداد کمی از پژوهش‌ها نیز با روش تحلیل مضمون انجام شده‌اند که در ادامه به آنها اشاره می‌شود. امیرپناهیان و نامیان (۱۴۰۳) مضامینی مرتبط با شرایط اقتصادی ناامن و مشکلات اجتماعی و خانوادگی را استخراج کرده‌اند. بابایی نصیر و همکاران (۱۴۰۳) با مصاحبه با ۱۷ زن سرپرست خانوار، با اتکا به تکنیک تحلیل مضمون در سه مرحلهٔ کدگذاری معنایی، تلخیص و تفسیر تحلیل داده‌ها بر پایهٔ یافته‌ها، به محرومیت اقتصادی (فرصت‌های محدود، کمبود پول، فقدان مسکن ملکی، هزینه‌های سربارگی، بی‌قدرتی و بی‌عدالتی در کار و دستمزد)، محرومیت اجتماعی (ضعف جسمانی، حمایت نهادی، ناامیدی و نگرانی، بازتولید زندگی زنان سرپرست خانوار، فضای نامناسب و دسترسی محدود) و تعاملات اجتماعی (اعتماد، مشارکت و حمایت زنان سرپرست خانوار، خودمحروم‌سازی و طرد اجتماعی در تعامل با همسایه و اقوام) اشاره می‌کنند. باسیتی و مرادنسب (۱۴۰۳)، با اشاره به آسیب‌های گوناگونی که متوجه زنان هستند، بیان می‌کنند آسیب‌های جسمی به عنوان زمینهٔ آسیب‌های روانی، از جمله استرس، افسردگی، تنهایی، خودکشی، کاهش اعتمادبه‌نفس و آسیب‌های اجتماعی، مانند کمبود مهارت‌های مواجهه با دیگران و همچنین مسائل فرهنگی مانند فقر فرهنگی خانواده‌ها، سطحی از ناپایداری اجتماعی و فرهنگی را برای این زنان رقم زده‌اند. بهشتی و همکاران (۱۴۰۲) با ابزار مصاحبه با ۲۳ نفر از مددجویان تحت پوشش و ۵ نفر از مطلعان کمیتهٔ امداد، با تحلیل تماتیک مصاحبه‌ها در ارزیابی سیاست‌های فقرزدایی کمیتهٔ امداد، پنج تم اصلی شامل عملکرد نامناسب سازمانی، بی‌ثباتی اقتصاد کلان جامعه، پذیرش فرهنگ فقر، فقدان برنامه‌های تسهیلگری کارآمد و کمبود الگوهای بهینهٔ اشتغال را استخراج کرده‌اند. صدر نبوی و همکاران (۱۴۰۱) مضامین مرتبط با ازدواج زودهنگام و نداشتن سرمایه‌های متعدد اجتماعی و اقتصادی و فرهنگی را مورد توجه قرار داده‌اند. قادری و همکاران (۱۴۰۰) با ۲۲ نفر از زنان سرپرست خانوار در شهر کرج مصاحبهٔ عمیق انجام دادند و به محرومیت اقتصادی (تأمین معیشت و نیازهای روزمرهٔ خود و فرزندان)، مشکلات اجتماعی (احساس امنیت اجتماعی در مناسبات اجتماعی و تعاملات بین‌فردی)، تفکر و برداشت‌های فرهنگی (نگاه ترحم‌آمیز، طردکننده و تحقیرآمیز) مشکلات مربوط به توانمندی‌ها (مهارت‌های شغلی و مهارت‌های ارتباطی)، مشکلات حوزهٔ سلامت و بهداشت (بیماری و مشکلات جسمی و روحی و روانی) و مشکل عمدهٔ این زنان، یعنی «فقر قابلیت»، توجه کرده‌اند. زارع و صفری (۱۳۹۸) به وسیلهٔ مصاحبه با ۱۷ مددجوی کمیتهٔ امداد، مضامین فراگیر و مضامین سازمان‌دهندهٔ پژوهش خویش را عوامل مرتبط با سرپرست خانواده، عوامل مرتبط با خانواده، عوامل فرهنگی، عوامل جغرافیایی و عوامل اقتصادی معرفی می‌کنند.

به طور کلی، وجه تفاوت این پژوهش آن است که چه به لحاظ روش و چه به لحاظ توجه به ابعاد اجتماعی و فرهنگی، نه فقط تکرار پژوهش‌های قبلی نیست، بلکه به دنبال فهمی عمیق‌تر از مشکلات و تنگناهای اجتماعی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به خیریه‌ها از طریق انجام مصاحبهٔ عمیق است که در پژوهش‌های مختلف کمتر مورد توجه بوده است. ضمن اینکه این نخستین بار است که این موضوع در استان خوزستان و شهرستان بهبهان به صورت کیفی مطالعه می‌شود.

¹ Kadaluka



۳- روش پژوهش

در این مطالعه از روش کیفی و برای تحلیل و تفسیر داده‌ها از شیوه تحلیل مضمون یا تماتیک استفاده شده است. تحلیل مضمون عبارت است از عمل کدگذاری و تحلیل داده‌ها با این هدف که داده‌ها چه می‌گویند. این تحلیل به دنبال الگویی در داده‌هاست. زمانی که الگویی از داده‌ها به دست آمد، باید حمایت موضوعی از آن صورت گیرد. به عبارتی، تم‌ها از داده‌ها نشئت می‌گیرند (محمدپور، ۱۳۸۸). فراگرد تحلیل مضمون زمانی آغاز می‌شود که تحلیلگر الگوهای معنایی و موضوع‌هایی که جذابیت بالقوه دارند را مدنظر قرار می‌دهد. این تحلیل شامل یک رفت‌وبرگشت مستمر بین مجموعه داده‌ها و مجموعه کدگذاری‌ها و تحلیل داده‌هایی است که به وجود آمده‌اند. نگارش تحلیل از همان مرحله اول شروع می‌شود (زارع و صفری، ۱۳۹۸: ۷۳). در این پژوهش، از روش مراحل شش‌گانه براون و کلارک^۱ (۲۰۰۶) استفاده شد که فرایند اجرای آن شامل مراحل زیر است: ۱- تجزیه و توصیف متن (آشناسدن با متن، ایجاد کدهای اولیه و کدگذاری، جست‌وجو و شناخت مضامین)، ۲- تشریح و تفسیر متن (ترسیم شبکه مضامین و تحلیل شبکه مضامین متن) و ۳- ترکیب و ادغام متن. بر این اساس، با اتمام فرایند جمع‌آوری اطلاعات، مصاحبه‌ها به صورت متن نوشتاری بر روی کاغذ تدوین و سپس، با استفاده از کدگذاری باز، محوری و انتخابی، کدگذاری شدند.

بر این اساس، اطلاعات مورد نیاز پژوهش از طریق مصاحبه عمیق نیمه‌ساخت‌یافته و متمرکز بر معانی و تفسیرهای مشارکت‌کنندگان به دست آمد. نمونه‌گیری به صورت هدفمند انجام شد و جامعه هدف، زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه در شهرستان بهبهان است. این پژوهش با مشارکت ۱۰ نفر از این زنان، به اشباع نظری رسید.^۲ اطلاعات در جدول ۱ آورده شده است.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی شرکت‌کنندگان با نام مستعار

Table 1. Demographic Profile of Participants by Pseudonyms

شماره	نام	علت سرپرستی	تحصیلات	سن	تعداد فرزند
۱	سعیده	طلاق	دیپلم	۳۸	۱
۲	زهره	طلاق	دیپلم	۴۲	۱
۳	مریم	طلاق	دیپلم	۳۶	۲
۴	کبری	طلاق	راهنمایی	۲۸	۰
۵	فاطمه	طلاق	دیپلم	۴۴	۳
۶	فرشته	طلاق	دبیرستان	۳۸	۱
۷	لیلا	زندان بودن همسر	راهنمایی	۳۶	۲
۸	افضل	طلاق	لیسانس	۲۷	۱
۹	مریم	طلاق	دیپلم	۲۷	۰
۱۰	معصومه	طلاق	کاردانی	۳۹	۱

^۱ Braun & Clarke

^۲ همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در این پژوهش با زنان سرپرست خانواری که مطلقه بودند، مصاحبه شد؛ زیرا اولاً به گفته مسئولان این مؤسسه‌ها، بیشتر زنان سرپرست خانوار نیازمندی که به مؤسسه‌های خیریه مراجعه می‌کنند، زنان مطلقه هستند. از این رو، طبیعی است که انواع دیگر زنان سرپرست خانوار در این پژوهش حضوری بسیار کم‌رنگ داشته باشند. به علاوه اینکه، دیگر اقشار زن سرپرست خانوار یا تحت پوشش بهزیستی هستند یا برخی از آنان مانند زنان بیوه، درآمد ماهیانه ناشی از شغل همسر متوفی دریافت می‌کنند.



معیار انتخاب مشارکت‌کنندگان داشتن سابقه دست‌کم یک بار مراجعه به خیریه و قادر بودن به بیان تجربیات خود است. پژوهشگر پس از کسب مجوزهای قانونی و معرفی خود به شرکت‌کنندگان و تأکید بر محرمانه نگه‌داشتن اطلاعات، با تعیین زمان و مکان مناسب، با مشارکت‌کنندگان مصاحبه حضوری انجام داد. به مشارکت‌کنندگان اطمینان داده شد انصراف آنها از پژوهش در هر مرحله امکان‌پذیر است. برای تعیین اعتمادپذیری یافته‌ها از معیارهای متفاوت و متعدد استفاده شد؛ از جمله، فرایند پژوهش در بازه زمانی کافی و مناسب انجام شد. این امر باعث شد پژوهشگر درکی جامع‌تر از موضوع مورد پژوهش کسب کند. همچنین، در فرایند کدگذاری از تکنیک همسانی استفاده شد و کدگذاری‌ها توسط دو نفر به صورت مجزا انجام شدند. در نهایت اینکه، پس از استخراج نتایج، یافته‌ها به چند نفر از مشارکت‌کنندگان که از قبل با آنها هماهنگی شده بود برگردانیده شد و از آنها خواسته شد تا نظر خود را گزارش کنند. به علاوه، در این پژوهش، رعایت ملاحظات اخلاقی در مراحل مختلف پژوهش مدنظر بوده است و نمونه‌ها با رضایت در پژوهش مشارکت کردند.

همچنین، اعتبارسنجی پژوهش روایی تفسیری است؛ به گونه‌ای که با ارائه نتایج پژوهش به صاحب‌نظران و گروهی از نخبگان و دریافت بازخورد آنها، تأیید نهایی به دست آمد و صحت مضامین تأیید شد. در پژوهش حاضر به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه با چه تنگناهای اجتماعی و فرهنگی در محیط مؤسسه و زندگی اجتماعی روزمره روبه‌رو می‌شوند.

۴- یافته‌های پژوهش

پس از انجام مصاحبه با ۱۰ نفر از زنان سرپرست خانوار، تنگناهای زندگی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به نهادهای خیریه در دو محیط «مؤسسه خیریه» و «زندگی اجتماعی روزمره» شناسایی شدند. بر اساس مدل سه‌مرحله‌ای براون و کلارک، در مرحله اول، پس از خواندن داده‌ها و آشنایی با آنها، شروع به استخراج و ایجاد کدهای اولیه از داده‌ها شده است. در این مرحله، بیش از ۱۰۰ کد اولیه از مصاحبه‌ها استخراج شدند. مضامین هم به صورت مشهود و هم به صورت مکنون شناسایی شدند. سپس، از میان تعداد زیاد کدهای اولیه، کدهای ناقص یا نامرتب و همچنین کدهای تکراری کنار گذاشته شدند و ۵۵ کد گزینشی توسط پژوهشگران به دست آمدند که در **جدول ۲** گزارش شده‌اند و این کدها در متن پژوهش به ترتیب و تفصیل بیان شده‌اند.

بر اساس مرحله دوم مدل تحلیل مضمون که تشریح و تفسیر متن است، پژوهشگران در این مطالعه به ۱۳ مضمون فرعی دست یافتند و با تعریف و بازبینی کردن آنها، ماهیت آنچه یک مضمون درباره آن بحث می‌کند را مشخص و تعیین کردند هر مضمون فرعی کدام جنبه از داده‌ها را در خود دارد. سپس، در یک فرایند رفت‌وبرگشت در میان مضامین فرعی، در نهایت به ۵ مضمون اصلی و یک مضمون نهایی دست پیدا کردند که بر اساس محیطی که تنگناها را شکل داده است، دسته‌بندی و در **جدول ۲** آورده شده‌اند.

مرحله سوم تحلیل مضمون ترسیم شبکه مضامین است که ساختاردهی و تصویرسازی از مضامین را تسهیل می‌کند و هدف آن ادراک موضوع یا کشف معنای ایده است. بر اساس مضامین فرعی، اصلی و نهایی که از تحلیل‌ها به دست آمدند، الگوی مفهومی پژوهش توسعه یافت و شبکه مضامین به دست آمد. بر این اساس، این پژوهش یک تم یا مضمون نهایی با عنوان «ناامنی جنسیتی در تلاش برای معاش» دارد. در محیط مؤسسه خیریه، مضمون‌های اصلی شامل «فرودست‌انگاری»، «نگاه ابزاری به زنان سرپرست خانوار»، «محرومیت‌های ناشی از بی‌قدرتی» و در محیط زندگی اجتماعی روزمره، مضمون‌های

اصلی شامل «توانمندی جنسیتی سرکوب‌شده» و «جنسی‌نگری به زن سرپرست خانوار» استخراج شدند که هر کدام از این مضامین اصلی دارای مضامین فرعی هستند که در ادامه توصیف و بررسی می‌شوند.

جدول ۲. مفاهیم و تم‌های فرعی و اصلی تنگناهای اجتماعی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه

Table 2. Main and Sub-Themes and Concepts of Social and cultural predicaments Experienced by Women Heads of Household Referring to Charity Institutions

مضمون نهایی	محیط ایجاد تنگنا	مضامین اصلی	مضامین فرعی	کدهای اولیه
ناامنی جنسیتی در تلاش برای معاش	مؤسسه خیریه	فرو دست‌انگاری	رفتار تحقیرآمیز	نگاه نکردن به صورت فرد، سرد جواب‌دادن، کوتاه جواب‌دادن، نادیده گرفتن حضور فرد
			نیازمند انگاری	پیشنهاد کمک مالی، پیشنهاد کمک در انجام کارها، پیشنهاد خریدن لباس و وسایل زندگی، بخشش کالاهای غیرمفید مانند لباس و وسایل کهنه
			به تأخیر انداختن امور اداری	معطل کردن پشت در هنگام مراجعه، به فردا موکول کردن امور اداری، درخواست شماره تلفن برای اطلاع‌دادن نتیجه به قصد مراجعه مجدد فرد، نگوشت به سبب مراجعه حضوری
			جنسیتی کردن فضای حضور	برانداز کردن، لبخند زدن بی‌علت، شوخی بی‌ربط کردن، نگاه نامحرمانه، زل زدن
			چرخش از عرصه عمومی به عرصه خصوصی	تو (به جای شما) گفتن، تعارف کردن آب و پذیرایی، مشتاق نشان دادن خود برای پیگیری امور، پرسیدن از مسائل شخصی
			ایجاد مزاحمت	درخواست شماره تلفن از زن، تماس و پیام در غیر زمان اداری، نادیده گرفتن پیشنهادها، غیراخلاقی، شب زنگ زدن و پیام دادن، درخواست کردن شماره واتساپ یا آیدی اینستاگرام
			محدود کردن مراجعات کاری	اجبار در مراجعه زیاد برای برطرف کردن نیاز مادی، جواب فوری نگرفتن، درخواست پیگیری تلفنی به جای حضوری از سوی مؤسسه خیریه
			محرومیت‌های ناشی از بی‌قدرتی	دریافت کمک‌های ناچیز، مشاهده رابطه‌گرایی، احساس پارتی‌بازی، دیر مطلع شدن از خدمات، بی‌اطلاعی از انواع خدمات قابل دریافت
			تلقین ناتوانی به خود	ناخوشایند دانستن تنهایی، احساس ناتوانی در جذب یک مرد، سرکوب اعتماد به نفس، احساس شکست، نیاز به دوست داشته شدن
			ناتوان انگاری زن سرپرست خانوار	بی‌عرضه انگاشتن به خاطر تنهایی، مواجهه با سرزنش‌های دیگران، بی‌مایه انگاشتن زن سرپرست خانوار
زندگی اجتماعی روزمره	جنسیتی سرکوب‌شده	ضعف در حمایت‌یابی	نداشتن پشتیبان، وابستگی به کمک‌های دیگران، بی‌توجهی کردن به خاطر پیری و لاغری، شکست در تلاش برای دوست داشته شدن و مورد توجه بودن، کم شدن حمایت دوستان و آشنایان	بی‌نیو بار دانستن زن بی‌سرپرست، نگاه‌های سنگین اطرافیان، تهمت و پشت سر حرف زدن، بدبینی و بی‌اعتمادی به زن سرپرست خانوار
			مواجهه با برچسب‌های جنسی نسبت به زن سرپرست خانوار	کمک مشروط به رابطه، پیشنهاد رابطه یا صیغه، مزاحمت، احساس ناامنی در محل کار
			مواجهه با طمع‌ورزی جنسی	

۴-۱ تنگناهای مربوط به محیط مؤسسه خیریه

فرو دست‌انگاری

اندیشه فرو دست‌انگاری که معتقد است زنان دارای قابلیت‌ها و شایستگی‌ها نیستند برآمده از رویه‌های فرهنگی و اجتماعی و مبتنی بر اندیشه فروتری زنان است. در نظریه‌های انتقادی و پسااستعماری، به جمعیت‌هایی که به لحاظ اجتماعی، جغرافیایی و سیاسی از ساختار قدرت خارج هستند، اطلاق می‌شود و طبقات پایین و به حاشیه رانده شده را شامل می‌شود (امیرپناهی و نمایان، ۱۴۰۳: ۲۰). یانگ نیز فرو دست را فردی تعریف می‌کند که فاقد عاملیت موقعیت اجتماعی است (Young, 2003).

در این پژوهش، مضمون اصلی «فرو دست‌انگاری» شامل سه مضمون فرعی «رفتار تحقیرآمیز»، «نیازمندانگاری» و «به تأخیر انداختن امور اداری» است که این سه مضمون ناشی از فرو دست‌دیدن زنان سرپرست خانوار هستند. زیست فرو دستانه زنان به ویژه زنان سرپرست خانوار با توجه به فقر، زمینه‌ساز گرفتاری‌ها و آسیب‌های بسیاری برای آنها در مراجعه به نهادها و ادارات برای برطرف کردن مشکلاتشان می‌شود.

اولین مضمون فرعی مقوله فرو دست‌انگاری زنان سرپرست خانوار «رفتار تحقیرآمیز»ی است که زنان سرپرست خانوار در مراجعات خود به شکل «نگاه نکردن به صورت، بی‌حوصله و سرد جواب‌دادن، کوتاه جواب‌دادن، قطع کردن کلام و نادیده گرفتن حضور» تجربه می‌کنند.

مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید:

«با مددکار که صحبت می‌کنم، اصلاً به صورت من نگاه نمی‌کنه و مشغول کارهای خودشه. حرف نمی‌زنه و فقط سر تکون می‌ده. راهنمایی درستی نمی‌کنه، توضیح چندانی نمی‌ده. فقط چند کلمه کوتاه می‌گه. ناراحت می‌شم، باید درک کنه که ما نیاز داریم. دقیق‌تر و باحوصله راهنمایی بکنه».

مشارکت‌کننده شماره ۲ تجربه قطع کردن کلام و نادیده گرفتن حضورش را دارد:

«وقتی درباره مشکل صحبت می‌کنم حرفم را قطع می‌کرد. طوری که اصلاً انگاری منو نمی‌بینه و حرف‌هام را نمی‌شنوه. کلاً اکثر مددکارها حوصله ندارند. شاید چون با افراد زیادی مثل من برخورد دارند، مشکلات ما براشون تکراریه».

مضمون فرعی دوم «نیازمندانگاری» است. از آنجا که زنان سرپرست خانوار به دلایل از دست دادن یا جدایی از همسر دچار فقر و نیازمندی شده‌اند، در مراجعات روزانه خود از سوی کارمندان مرد با «پیشنهاد کمک مالی، پیشنهاد کمک در انجام کارها، پیشنهاد خریدن لباس و وسایل زندگی، بخشش کالاهای غیرمفید مانند لباس و وسایل کهنه» مواجه شده‌اند که این پیشنهادها نه به قصد خیرخواهی، بلکه به قصد نزدیک شدن به آنها مطرح شده‌اند. معمولاً تصور می‌شود این زنان به دلیل نیازمندی، قابل دسترسی و سوءاستفاده هستند.

مراجعه‌کننده شماره ۴ با پیشنهاد کمک مالی و کمک در انجام کارهایش مواجه شده است:

«خوب همیشه تروتمیز می‌گردم... آن آقا (کارمند) چون می‌دید مشکل دارم می‌خواست کمک مالی کنه. از جیب خودش نه مؤسسه. مثلاً می‌گفت اگر می‌خواهی برات پول واریز کنم، لباس بخر یا هرچی دوست داری... یا پرسید ماشین داری؟ پدرت ماشین داره؟ اگر نداری کاری داشتی به من بگو تا برات انجام بدم. همش می‌خواست به بهانه‌ای بهم کمک کنه».

این توجه به سبب نیازمندی فرد و محتاج‌دیدن آنهاست. مراجعه‌کننده شماره ۱ تجربه پیشنهاد بخشش کالاهای غیرمفید مانند لباس و وسایل کهنه را داشته است:

«یه بار گفت یه تعدادی وسایل مثل فرش و کمد و... دارم اگه می‌خواهی برات بیارم که من با اینکه خوشم نیومد اما به رو خودم نیاوردم و گفتم نیازی ندارم. من لباس و وسایل کهنه کسبو استفاده نمی‌کنم با وسایل کهنه خودم راحت‌ترم مگر اینکه مال خانوادم باشه».



مضمون فرعی سوم از فرودست‌انگاری «به تأخیر انداختن امور اداری» به اشکالی مختلف همچون «معطل کردن پشت در هنگام مراجعه، نكوهش به سبب مراجعه حضوری، به فردا موکول کردن امور اداری، اظهار تلفنی اطلاع‌دادن نتیجه» برای برخی از زنان سرپرست خانوار در مواجهه با کارکنان مرد صورت گرفته است.

شرکت‌کننده شماره ۵ بیان کرده است معمولاً با معطل کردن و پشت در نگه‌داشتن روبه‌رو می‌شده است: «چند بار پشت در خیلی معطل شدم. خودشون داخل با همکاراشون صحبت می‌کردن. کار خاصی انجام نمی‌دادن. با وجودی که چندان شلوغ نبود. واقعا اذیت می‌شدم که اینقدر معطل می‌کنن. خیلی عصبی شدم ولی خودمو کنترل کردم». شرکت‌کننده شماره ۳ اظهار کرده است مددکار مرد عمداً کار آنها را به فردا موکول می‌کرده است تا مجدداً مراجعه کنند تا شاید ارتباط بیشتری حاصل شود:

«حس کردم چون از من خوشش اومده بود و دوست داشت دوباره مراجعه کنم گفت فردا یا پس فردا برای پیگیری بیایید... چون لبخند می‌زد، نگاهم می‌کرد».

شرکت‌کننده شماره ۲ با نكوهش به سبب مراجعه حضوری مواجه شده است: «خودشون می‌گن خودتون پیگیر باشین و سر بزین که ممکنه ما فراموش کنیم. اما وقتی چندبار اداره رفتیم غر می‌زدن که چرا هر روز میای. فکر نکنم با همه این‌طوری برخورد کنن. اگه هم نری تا رفتی گفتی چرا به فلانی کمک کردین به من کمک نکردین می‌گن خودت نیومدی سر بزنی». چنین رفتارهایی از نظر مشارکت‌کنندگان نوعی تحقیر و فرودست‌انگاری است؛ رفتاری که فقیربودن و فقیرماندن را در این زنان نهادیه می‌کند.

نگاه ابزاری به زنان سرپرست خانوار

یکی از مشخصه‌های مهم هر فرهنگ شیوه نگرش مردم جامعه فرهنگی متبوع به زن، جنس و جنسیت اوست. از این رو، نگاه مردان و زنان جامعه می‌تواند در طیفی از جنسیت‌زدگی و نگاه ابزاری و شیء‌گونه در جامعه جانمایی شود؛ به نحوی که حتی خود زنان آن جامعه نیز نگاه یادشده را بپذیرند. در واقع، در این فرایند، زنان این درک را از خود دارند که جنسیت آنها به بدن آنها تقلیل پیدا کرده است و مردان به آنها مانند یک شیء نگاه می‌کنند (مدنی قهفرخی و صفری، ۱۳۹۹). در این حالت، معمولاً در جامعه بیش از آنکه شایستگی‌ها و حضور و فعالیت‌های اجتماعی زنان مورد توجه قرار گیرد، آنها با معیارهای جنسیتی مبتنی بر بدن قضاوت شده‌اند. در واقع، بدن یک سرمایه جنسی محسوب می‌شود که می‌تواند کارکردهایی خاص برایشان در جامعه داشته باشد و در تمام زمینه‌های اجتماعی فرهنگی حضور دارد (حکیم، ۱۳۹۱). زنان سرپرست خانوار که در شرایط بد اقتصادی و نیازمندی به سر می‌برند از این نظر بیشتر در معرض ناامنی قرار دارند. اولین مضمون فرعی در این خصوص «جنسیتی کردن فضای حضور» است. این زنان در مراجعات خویش به نهادهای خیریه و حمایتی در اثر این نوع نگاه تجربیاتی همچون «برانداز کردن، لبخند زدن بی‌علت، شوخی بی‌ربط کردن، نگاه نامحرمانه و زلزدن» داشته‌اند.

برای مثال، شرکت‌کننده شماره ۳ می‌گوید:

«با خنده و لبخند خاصی به من نگاه می‌کرد چند دقیقه زل می‌زد ولی من چشمم رو برمی‌گردوندم. خیلی خوشش اومده بود و می‌خواست ببینه من در مقابلش چه رفتاری می‌کنم. حرص می‌خوردم که به خودش اجازه می‌داد به خاطر زن بودن و مشکلاتم این‌گونه باهام رفتار کنه».

مشارکت‌کننده شماره ۴ با اشاره به تجربه شوخی بی‌ربط کردن از سوی کارمند مرد، بیان می‌دارد:

«می‌خواستم کمک کنن که بتونم وام بگیرم. داشتم توضیح می‌دادم که این آقای مسئول وسط حرفام بی‌جهت شوخی می‌کرد. انگار می‌خواست ببینه واکنش من چیه! منم متوجه بودم هدفش چیه. ولی اگر خیلی حساسیت نشون بدمی لج می‌کنن کارم انجام نمی‌شه و شرایط بدترم می‌شه».



مضمون فرعی بعدی «چرخش از عرصه عمومی به عرصه خصوصی» نام گذاری شده است. شرکت کنندگان در مراجعات خویش مشاهده کرده اند گاهی اوقات کارکنان مرد پا را از محدوده کاری و رسمی فراتر می نهند و با رفتارهایی مانند گفتن «تو (به جای شما)، پرسیدن از مسائل شخصی، تعارف کردن آب و پذیرایی، مشتاق نشان دادن خود برای پیگیری امور» از فضای عمومی زن سرپرست خانوار فراتر می روند و به عرصه خصوصی وی ورود می کنند.

شرکت کننده شماره ۴ می گوید:

«به جای شما مرتب بهم می گفت تو. درست نبود بگه تو. ولی خوب نمی شد چیزیم گفت. ممکن بود فکر کنه بی جنبه هستم از من چندان سؤا شخصی پرسید که متوجه شدم می خواد به من نزدیک بشه. مثلاً پرسید الان که تنها هستی زندگی برات سخت نیست؟ خیلی جوانی و باید لذت ببری از جوانیت. باید بگردی، تفریح کنی و خوش باشی».

شرکت کننده شماره ۷ با تعارف کردن آب و پذیرایی مواجه شده که به نظرش امر عادی و عمومی نبوده و برای ورود به حیطه خصوصی اش انجام شده است:

«هوا گرم بود و با تاکسی اومده بودم مؤسسه. از اون کارمند پرسیدم آب دارین؟ خودش رفت و آب آورد و به من تعارف کرد. تشکر کردم. بعد گفتم برای این اومدم که شاید کمکم کنین کاری پیدا کنم. همین طوری که داشتم حرف می زدم گفت حیفه تو هستش که بری خونه های مردم کار کنی. خیلی غیرعادی از من تعریف و تمجید کرد. حتی ظرف شیرینی از کشوی میزش در آورد تعارف کرد».

مضمون سوم نگاه ابزاری به زنان در قالب «ایجاد مزاحمت» کدگذاری شده است. در کنار ایجاد روابط غیررسمی، برای برخی از مراجعه کنندگان پیش آمده است که کارمند مرد با ایجاد مزاحمت از زن سرپرست خانوار «درخواست شماره تلفن کرده یا در غیر زمان اداری تماس گرفته و پیامک تلفنی داده است».

مشارکت کننده شماره ۸ می گوید:

«کارمند بهم گفت {هروقت لازم بود تماس می گیرم که تشریف بیاری. شماره تلفنمو پرسید... دو سه بار عصر زنگ زد. حس کردم که قصد دیگه ای داره چون شماره واتساپم خواست. خطی که شمارشو داده بودم واتساپ و اینستا نداشت، فقط برای تماس بود».

همچنین، مشارکت کننده شماره ۴ تجربه تماس در ساعات غیراداری و شب را داشته است:

«شمارشو ذخیره کرده بودم چند بار شب پیام می داد و احوالو می پرسید. آخه آخر شب که کسی به کسی زنگ نمی زنه مگه اینکه منظوری داشته باشه. طوری جواب دادم که نه ناراحت بشه نه فکر کنه می خوام با او دوست شم و پروو بشه».

محرومیت های ناشی از بی قدرتی

فقر اقتصادی و شرایط اجتماعی نامناسب عوامل محدودکننده هستند که زنان را دچار احساس بی قدرتی می کنند. لوین^۱ می گوید احساس بی قدرتی نوعی بیگانگی است که در آن فرد احساس می کند نمی تواند در وضعیت های اجتماعی که در آنها کنش متقابل دارد، تأثیر بگذارد. کسانی هم که دچار احساس بی قدرتی کنند، معتقد هستند هر عملی که انجام می دهند، نمی تواند به نتیجه دلخواه آنها منجر شود (محسنی تبریزی، ۱۳۸۳: ۱۸۰-۱۸۱). بی قدرتی سبب توانایی نداشتن در برقراری ارتباط و عدم تصمیم گیری در جریان زندگی می شود و در نتیجه فرد از بسیاری از عرصه ها محروم و به حاشیه رانده می شود. محرومیت ناظر به موقعیت نابرابر میان اجزای یک جامعه است که در آن برخی از شهروندان، در مقایسه با دیگران، از امتیاز و امکانات بیشتری بهره مند می شوند. اعضای گروه محروم در سنجش وضعیت خود و دیگران به احساسی دست می یابند که محرومیت نامیده می شود (امام جمعه زاده و همکاران، ۱۳۹۰: ۴۹). در این پژوهش، «محرومیت های ناشی از بی قدرتی» زنان در قالب مضامین «محدود کردن مراجعات کاری» و «محروم شدن از خدمات» کدگذاری شده است.

¹ Levin



زنان وقتی با «اجبار در مراجعه زیاد برای برطرف کردن نیاز مادی، جواب فوری نگرفتن، درخواست پیگیری تلفنی به جای حضوری از سوی مؤسسه خیریه» مواجه شده‌اند، مراجعات کاری خود را محدود کرده‌اند. شرکت‌کننده شماره ۸ می‌گوید:

«چند بار که مراجعه کردم، احساس کردم کارمند فکر کرده از بی‌کاریه که میام و عاشق چشم‌وابروشم. وقتی این رفتارها رو می‌دیدم، برای مادرم تعریف که کردم، دوست نداشتم دوباره به اون مؤسسه برم».

همچنین، شرکت‌کننده شماره ۴ با اشاره به همین تجربه می‌گوید:

«چند مرتبه که رفتم از نگاه‌ها و لبخندهای اونجا حس منفی گرفتم. مثل این بود که نمی‌خوان من را ببینن. منم متوجه بودم هدفش چیه. خودم رو می‌زدم به اون راه که انگار هیچی نمی‌فهمم...».

تعدادی دیگر از زنان سرپرست خانوار بیان می‌کنند به دلایل ویژگی‌های جنسیتی‌شان تجربه «محروم شدن از خدمات» را به صورت مختلف، از جمله «دریافت کمک‌های ناچیز، رابطه‌گرایی، احساس پارتی‌بازی، دیر مطلع شدن از خدمات، بی‌اطلاعی از انواع خدمات قابل دریافت» داشته‌اند.

مشاورت‌کننده شماره ۲ به دریافت کمک‌های ناچیز اشاره می‌کند:

«هرچند وقتی کمتر مراجعه کنی کمتر کمک می‌کنن. یادشون نمی‌مونه که من کی بودم و چه مشکلی داشتم. حتی اطلاع پیدا نمی‌کنی که چه کمایی می‌شه دریافت کرد».

همین فرد در ادامه به بی‌اطلاعی یا دیر مطلع شدن از خدمات اشاره می‌کند که در وی احساس ناامیدی ایجاد کرده است:

«بعضی امکانات و خدمات هستش که من هیچ وقت نمی‌دونستم و اتفاقی از یکی از خانم‌های دیگه شنیدم. وقتی خود فرد اطلاع پیدا نکنه معلومه که چیزیم گیرش نمیداد. علاوه بر این بعضی وقت‌ها زنگ می‌زنن، مثلاً می‌گن یه تعدادی غذا یه فرد خیری داده و باید تا نیم ساعت دیگه بیای بگیر و گرنه تموم می‌شه».

زن سرپرست خانوار شماره ۱۰ به رابطه‌گرایی و پارتی‌بازی اشاره دارد:

«هر کسی رو بشناسن مخصوصاً اگر آشناشون باشه و پیششون بهتر باشه به اون بیشتر کمک می‌کنن. یه نفر را می‌شناسم که چقدر به اون کمک می‌کنن. اما نوبت ما که می‌شه معلوم نیس این همه کمک چی می‌شه. حتی اینجام پارتی‌بازی می‌شه».

۴-۲ تنگناهای اجتماعی و فرهنگی در زندگی اجتماعی روزمره

توانمندی جنسیتی سرکوب شده

استروم کوئیست^۱ در تعریفی جامع «توانمندسازی جنسیتی را مجموعه‌ای از دانش‌ها و مهارت‌ها و شرایطی می‌داند که زنان باید از آن برخوردار باشند تا دنیای خود را درک کنند و بر اساس آن عمل کنند» (Stromquist, 2015: 308). بنابراین، توانمندسازی از اقدامات مهم در سطح فردی و جمعی است. فقر و مشکلات اقتصادی زنان سرپرست خانوار زمینه‌ساز «تلقین ناتوانی به خود»، «ناتوان‌انگاری» و «ضعف حمایت‌یابی» آنها شده است که مجموعه این رفتارها «سرکوب توانمندی‌های جنسیتی» در این زنان را در پی دارد.

مضمون «تلقین ناتوانی به خود» به سبب احساسات و رفتارهایی مانند «ناخوشایند دانستن تنهایی، احساس ناتوانی در جذب یک مرد، سرکوب اعتماد به نفس، احساس شکست، نیاز به دوست داشته شدن» در زنان سرپرست خانوار ایجاد شده است. شرکت‌کننده شماره ۶ از حس ناخوشایند تنهایی می‌گوید:

¹Stromquist



«احساس می‌کنم تنهام و نمی‌تونم مسائل خودم تنهایی حل کنم. واقعاً نیاز دارم یکی کنارم باشه و به من کمک کنه. تنهایی حس خوبی ندارم اصلاً تنهایی اراده انجام کاریو ندارم یکی باید باشه که هلم بده. با اینکه می‌دونم هر کی مشکلات خودشو داره و در این زمینه فقط هر کی خودش به داد خودش می‌رسه».

تلقین ناتوانی در جذب یک مرد به خود و پایین آمدن اعتماد به نفس از تجربیات فرد شماره ۱۰ است:

«اگه شانس داشتم که زندگیم این‌طور نمی‌شد. با هزار امید ساختم و برا زندگیم تلاش کردم چقد کار کردم و حرف شنیدم. آخرش هیچ. سخته که بخوام دوباره به کسی اعتماد کنم. می‌ترسم نتونم کسیو به خودم علاقه‌مند نگه دارم».

وی در ادامه از احساس شکست در خودش می‌گوید:

«اصلاً دیگه باور ندارم عشقو. وقتی یاد خاطرات قدیم می‌فتم حرف زدن از اونا عذاب‌آور {با گریه}. خیلی برام سخته که در زندگیم شکست خوردم. قلبم شکسته. کاش بفهمین چی می‌گم».

فرد در اثر تنهایی و مجردی حس ناتوانی دارد و به همین دلیل، چاره را در دوست داشته شدن توسط یک مرد و پشتیبانی او برای ادامه زندگی می‌بیند. شرکت‌کننده شماره ۹ می‌گوید:

«وقتی یه مرد دوست داشته باشه و بهت توجه کنه حس خوبی داری. اعتماد به نفس بالا می‌ره. تکیه‌گاهی داری که پشتته و هواتو داره. وقتی مردی به من توجه کنه لذت می‌برم. منتو بکشه و ناز تو بخوره...».

علاوه بر ناتوان دانستن زنان توسط خویش در اثر تلقین ناتوانی به خود، جامعه نیز در مواجهه با آنها دست به ناتوان‌نگاری‌شان می‌زند. در این پژوهش، مفاهیم «بی‌عرضه‌انگاشتن به خاطر تنهایی، مواجهه با سرزنش‌های دیگران، بی‌مایه‌نگاشتن» سبب «ناتوان‌نگاری زنان سرپرست خانوار» شده‌اند.

مشارکت‌کننده شماره ۶ معتقد است در اثر تنهایی و مجردی، دیگران او را بی‌عرضه می‌انگارند:

«مگه بده یکی باشه کمکت کنه. وقتی دست‌ت‌ها باشی به همه کارا نمی‌شه رسیدگی کرد. از لحاظ مسئولیت‌های زندگی زنای شوهردار خیلی راحت‌ترن».

برخی از زنان پژوهش با سرزنش‌های دیگران و احساس بی‌مایه‌انگاشتن توسط دیگران به خصوص زنان متأهل دیگر مواجه و دچار ناتوانی و خشم شده‌اند. شرکت‌کننده شماره ۵ می‌گوید:

«بقیه فکر می‌کنن عرضه نداری کسیو تور کنی. همین موضوع واقعاً آدمو عصبانی و خشمگین می‌کنه و تحت فشار می‌ذاره. دلت می‌خواد به دیگران ثابت کنی که منم اگه بخوام از شوهرت بهتر زیاد برام هست. پز شوهراشونو می‌دن. مسخرست واقعاً. از نظر بقیه اگه شوهر نداشته باشی ناقصی و یه چیزی کم داری».

شرکت‌کننده شماره ۸ هم به همین مفاهیم اشاره است:

«اونقدر که مادرم گیر می‌ده و می‌گه که شوهر کن که سایه یکی بالا سرت باشه و سخت نگیر. دلم می‌خواد هر خواستگاری اومد فوری قبول کنم که راحت بشم. کاش بفهمن که شوهرکردن به تنهایی که مهم نیس. خوب یه بار که شوهر کردم. چی شد آخرش؟».

وابستگی زنان سرپرست خانوار به خدمات ارائه‌شده از سوی سازمان‌های حمایت‌رسان و دیگران کاملاً مشهود است. در واقع، این زنان نسبت به شرایط خویش احساس نارضایتی می‌کنند، اما با درگیر شدن در فقر و نداری، در یک چرخه ناتوانی به تنهایی قادر به حل مشکلاتشان نیستند و باز هم خواهان حمایت‌شدن هستند. تنگ‌شدن دایره ارتباطی زنان سرپرست خانوار می‌تواند رفتار، کنش‌ها و در نتیجه هویت وی را تغییر دهد و موجب انزوا یا بازتعریف و محدود شدن مناسبات زن سرپرست خانوار با اقوام و نزدیکان خود شود.

در حقیقت، «نداشتن پشتیبان، وابستگی به کمک‌های دیگران، شکست در تلاش برای دوست داشته شدن و مورد توجه بودن، کم‌شدن حمایت دوستان و آشنایان» زمینه‌ساز «ضعف در حمایت‌یابی» در زنان سرپرست خانوار شده است.

برخی از مشارکت‌کنندگان خود را بی‌پشتیبان و حامی می‌دانند. برای مثال، شرکت‌کننده شماره ۲ می‌گوید:

«بعد از زندانی شدن همسرم خیلی تنها هستم. همه کارا به عهده منه. کسی نیست کمکم کنه. بچه مریض بشه کرایه خونه نداشته باشم. کارای مدرسه بچه‌ها، توقعاتشون همه‌اش هست. هر مشکلیو باید خودم حل کنم خیلی سخته گاهی واقعاً کم میارم». مشارکت‌کننده شماره ۱۰ می‌گوید:

«نه کاری دارم نه پشتیبانی. چه کسی اعتماد می‌کنه پول قرض بده بهم یا ضامنم بشه؟ خودمم باشم این کارو نمی‌کردم شاید. همه هم مشکل دارن از پس خودشون برنمیان. به ده نفر باید رو بزنم تا شاید یکیشون حاضر بشه ضامن وامم بشه. داداش خودم ضامن یکی شد قسطاشو نمی‌داد الان گرفتار شده».

شرکت‌کننده شماره ۱ می‌گوید:

«خیلی وقتا که پول برای پرداخت اجاره خونه‌مون نداریم هیچ کس نیست که بخوایم ازش قرض بگیریم. فکر می‌کنن پس نمی‌دیم».

برخی نیز اظهار وابستگی به کمک‌های دیگران می‌کنند. شرکت‌کننده شماره ۷ می‌گوید:

«از زمان زندانی شدن شوهرم، برادرم خیلی هوامو دارن. برا پسران و وسایل مدرسه و لباس و... می‌خرن. حتی نمی‌ذارن بیرون از خانه کار کنم می‌گن که خوبیت نداره تو کار کنی. اگه خانوادم نبودن معلوم نبود چی سرم میومد خدا رو شکر که هستن». شرکت‌کننده شماره ۴ بیان می‌کند:

«درسته که مستمری ماهانه بهزیستی حتی پول آب و برق نمی‌شه، ولی همین نبود نمی‌دونم چکار می‌کردم. هیشکی کمکی نمی‌کنه. گاهی آرزوی یه کیلو گوشت قرمز داریم. تو روزای تنگی و سختی کسی هوای مارو نداره. کی حوصله آدم فقیرو داره آخه».

جنسی‌نگری نسبت به زنان سرپرست خانوار

در محیط جامعه، شاهد نگاه جنسی به زنان سرپرست خانوار هستیم. این زنان با برچسب‌ها و طمع‌ورزی جنسی و رفتارهای منفی از جمله تهمت و بدبینی مواجه می‌شوند و مجبور هستند زیر نگاه‌های سنگین دیگران به زندگی خود ادامه دهند. مضمون فرعی «مواجهه با برچسب‌های جنسی» با رفتارهایی مانند «بی‌بندوباردانستن زن بی‌سرپرست، نگاه‌های سنگین اطرافیان، تهمت و پشت سر حرف زدن، بدبینی و بی‌اعتمادی به زن سرپرست خانوار» از «مواجهه با برچسب‌های جنسی» حکایت دارد. این برچسب‌ها و باورهای غلط فرصت‌های زندگی در اجتماع را از زنان سلب و زمینه‌های انزوا و طرد و ناامنی آنان از جامعه را فراهم می‌کنند و گاهی نیز همین ترس از برچسب زدن‌هاست که بعضی از زنان سرپرست خانوار را از نظر گافمن مجبور به بازی نقش می‌کند (مختاری و دهقانی، ۱۴۰۰).

مصاحبه‌شونده شماره ۶ می‌گوید:

«وقتی طلاق گرفتم مثل الان نبود فکر می‌کردن هر زنی طلاق گرفته ایراد از خودش و حتماً دوست‌پسری داره. بعضیم فکر می‌کنن چون مشکلات مالی دارم، حتماً صیغه‌شون می‌شم».

شرکت‌کننده شماره ۵ درباره تهمت و پشت سر زنان سرپرست خانوار حرف زدن می‌گوید:

«چندبار شنیدم که پشت سرم می‌گن که هر روز بیرون خونه است و معلوم نیست با کی می‌ره و با کی میاد. حتی اسنپ هم بیاد در خانه سوار شی فکر می‌کنن دوست‌پسره. دائم باید اثبات کنی که با کسی نیستی».

ارزش‌های فرهنگی حاکم اجازه می‌دهد به زنان سرپرست خانوار به چشم یک فرصت برای طمع‌ورزی و سوءاستفاده نگاه شود. زنان با از دست دادن همسر، احساس می‌کنند دیگر پناهگاهی مطمئن و قابل اتکا ندارند و در معرض گسست از روابط فامیلی، همسایگی، دوستی و حتی شغلی قرار می‌گیرند. این زنان که به این موضوع واقف هستند سعی در پنهان کردن بیوگی خود دارند تا از این طریق حاشیه امنی برای روابط و فعالیت اجتماعی خود به وجود آورند. اما چنانچه بنا بر هر دلیل، بیوه‌بودن آنها فاش شود، روابطشان با دیگران مخدوش می‌شود و بیوگی ممکن است هزینه‌هایی سنگین (مانند از دست دادن شغل یا ترک فعالیت) به زنان تحمیل کند (فیروزآبادی و صادقی، ۱۳۸۹).

حسب تجربیات زنان، «مواجهه با طمع‌ورزی جنسی» نوعی احساس و تجربه ناامنی جنسی را برای زنان سرپرست خانوار ایجاد می‌کند. مصاحبه‌شونده شماره ۱ درباره کمک مشروط به رابطه جنسی می‌گوید:

«هر کسی هم به خودش اجازه می‌دهد به شما شماره بده. یک مردی که آشنا بود نشان می‌داد که می‌خواهد کمک کند اما آخرش فهمیدم هدفش دوستی است».

مشارکت‌کننده شماره ۴ می‌گوید:

«هرجا که برای کاری بری همین که بفهمن مطلقه هستی فوراً پیشنهاد دوستی می‌دن. تجربه زیادی دارم از این پیشنهادها. خودم جایی برای کاری رفته بودم به بهانه اطلاع‌دادن، شماره تلفنم گرفت و بعد زنگ زد و با زبان بی‌زبونی بهم پیشنهاد دوستی داد».

۵- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

پدیده‌ای به نام زنان سرپرست خانوار نیازمند، واقعیتی اجتماعی است که امروزه در تمام جوامع روند رو به رشد دارد. در واقع، این زنان به دلیل عدم حضور همسر با مشکلاتی متعدد درگیر می‌شوند که یکی از مهم‌ترین آنها فقر اقتصادی است که به نوبه خود، مشکلات بعدی را ایجاد می‌کند. در این پژوهش، تنگنایهای اجتماعی و فرهنگی زنان سرپرست خانوار مراجعه‌کننده به مؤسسه‌های خیریه شهرستان بهبهان در استان خوزستان به روش تحلیل تماتیک بررسی شدند.

پژوهش حاضر نشان داد فقر و مشکلات اقتصادی موجب شده است تا زنان سرپرست خانوار از آسیب‌های فرامادی شامل اجتماعی و فرهنگی، در کنار آسیب‌پذیری اقتصادی رنج ببرند که این امر آنان را در وضعیت ناامنی جنسیتی برای تأمین معیشتشان قرار می‌دهد. یافته‌های پژوهش افراسیابی و جهانگیری (۱۳۹۵) همانند پژوهش حاضر بر مفهوم ناامنی جنسیتی و اینکه زنان در تعاملات خود با کلیشه‌های منفی روبه‌رو هستند، تأکید کرده است.

در پژوهش حاضر، تنگنایهای اجتماعی و فرهنگی در محیط مؤسسه خیریه و جامعه شناسایی شدند که در محیط مؤسسه، مضمون‌های اصلی شامل «فروست‌انگاری»، «نگاه ابزاری به زنان سرپرست خانوار»، «محرومیت‌های ناشی از بی‌قدرتی» و در محیط زندگی مضمون‌های اصلی شامل «توانمندی جنسیتی سرکوب‌شده» و «جنسی‌نگری به زن سرپرست خانوار» استخراج شدند.

زنان سرپرست خانوار که در فقر گرفتار آمده‌اند، وقتی به امید برطرف شدن مشکلاتشان به مؤسسه خیریه مراجعه می‌کنند، با رفتار تحقیرآمیز، نیازمندانگاری و به تأخیر انداختن امور اداری مواجه می‌شوند که از طریق آنها فروست‌انگاشته می‌شوند و در نتیجه، محیطی ناامن برای تأمین معیشتشان شکل می‌گیرد. پژوهش قادری و همکاران (۱۴۰۱) نشان داد زنان سرپرست خانوار مشکلات اجتماعی عدیده‌ای دارند که در روابط اجتماعی بازتولید می‌شوند. این فروست‌انگاری در چرخه فقر اقتصادی زنان بازتولید می‌شود و در روابط اجتماعی نیز تشدید می‌شود؛ زیرا نهادی که برای حفظ کرامت زنان آسیب‌پذیر اقتصادی وجود دارد، عملاً با رفتار فروست‌انگارانه، تداوم و ترویج آن در جامعه را به امری بدیهی تبدیل می‌کند.

دومین مضمون اصلی این پژوهش «نگاه ابزاری به زنان سرپرست خانوار» است. این زنان بیان کرده‌اند در فرایند مراجعاتشان، با رفتارهایی همچون جنسیتی‌کردن فضای حضور، چرخش از عرصه عمومی به عرصه خصوصی و ایجاد مزاحمت مواجه می‌شوند. یافته‌های حاصل از توصیف و روایت زنان از بدن در پژوهش مدنی قهفرخی و صفری (۱۳۹۹) نشان می‌دهد وضعیت حاکم بر تصورات و ذهنیت زنان از بدن امری اجتماعی و تاریخ‌مند است.

سومین مضمون اصلی پژوهش «محرومیت‌های ناشی از بی‌قدرتی» است. زنان سرپرست خانوار در تعاملات روزمره با محیط مؤسسه‌های خیریه برای حل مشکلات معیشتی‌شان گرفتار محرومیت‌هایی همچون «محدود کردن مراجعات کاری» و

«محروم‌شدن از خدمات» می‌شوند که روند بی‌قدرتی آنها را سرعت می‌بخشد. پژوهش امیرپناهی و نامیان (۱۴۰۳) تجربه زنان را به مضامین مرتبط با ناامنی اقتصادی و اجتماعی و خانوادگی ربط داده است. همچنین، بابایی نصیر و همکاران (۱۴۰۳) با اشاره به مشکلاتی همچون تله فقر و محرومیت، بر بی‌قدرتی، بی‌عدالتی، خودمحروم‌سازی و محرومیت‌های اجتماعی تأکید دارند. این موضوع سبب می‌شود تا با امتداد آسیب‌پذیری اقتصادی زنان در جامعه، احساس بی‌قدرتی فقط در مراجعه به مؤسسه‌های خیریه نباشد و این زنان در جامعه نیز شاهد احساس بی‌قدرتی خود در تعاملات اجتماعی باشند. هنگامی که تعاملات اجتماعی در این مؤسسه‌ها عزت‌نفس را از این زنان بگیرد، آنها در ورود به عرصه عمومی جامعه نیز توانایی مقابله با تنگناهای اجتماعی و فرهنگی را نخواهند داشت. به عبارتی، نقش حمایتگری از این زنان خنثی می‌شود و نگاه جامعه به یک زن فقیر نیازمند، همان انگ‌های ناشی از ته‌نشست‌های فرهنگی خواهد بود که به آنان به عنوان یک موجود اجتماعی ناقص و نیازمند می‌نگرد.

مضمون «توانمندی جنسیتی سرکوب‌شده» این زنان حاصل کیفیت حضور در ارتباطات زندگی اجتماعی روزمره است. توانمندی‌های این زنان نیازمند و آسیب‌دیده به سبب تلقین ناتوانی به خود، ناتوان‌انگاری زن سرپرست خانوار و ضعف در حمایت‌یابی یا توسط خودشان (درونی) یا دیگران (بیرونی) سرکوب می‌شود و آنها جامعه را برای ادامه زندگی و امرار معاش خود ناامن می‌یابند. یافته‌های سفیری و همکاران (۱۳۹۹)، هم‌سو با این پژوهش، حاکی از یک فضای جنسیت‌زده است که به طرد درون‌گروهی و برون‌گروهی منجر می‌شود. مضامینی شبیه توانمندی‌های سرکوب‌شده در پژوهش همتی و کریمی (۱۳۹۷) در قالب سه مضمون اصلی شامل سرپرستی به مثابه بازتعریف مناسبات با جامعه، سرپرستی به مثابه تجربه احساسی ناخوشایند و سرپرستی به مثابه شکل دیگری از زیست اجتماعی دسته‌بندی شدند. سفیری و میرزایی (۱۴۰۱) نیز به مضمون مشکلات حمایت‌یابی برای زنان خانوار با استخراج مضامینی همچون شبکه‌های کنترلی وسیع، قیدوبندهای شدید در تعاملات و تفکرهای کلیشه‌ای مرسوم اشاره کرده‌اند. تبریزی کاهو و همکاران (۱۴۰۲) به مفهوم حمایت‌های اجتماعی و حیب (2020) به عدم حمایت اطرافیان و ارزش‌ها و هنجارهای فرهنگی سد راه این زنان اشاره دارند.

پنجمین مضمون «جنسیتی‌نگری نسبت به زن سرپرست خانوار» است که در بستر مواجهه با برچسب‌های جنسی و مواجهه با طمع‌ورزی جنسی ایجاد می‌شود. یکی از مهم‌ترین پیامدهای برچسب و داغ‌خوردگی تغییر در هویت جنسیتی زنان است که یادآور نظریه گافمن است؛ زیرا به شکل‌گیری انتظارات جدید منجر می‌شود و بی‌اعتمادی و تنهایی را برای این زنان رقم می‌زند و سبب می‌شود از برقراری روابط با دیگران پرهیز کنند. مختاری و دهقانی (۱۴۰۰)، هم‌سو با مضمون جنسیتی‌نگری، به مضامینی مانند اعتمادداشتن و ترس از سوءاستفاده اشاره کرده‌اند که سبب شده‌اند این دسته از زنان از دیگران بیشتر فاصله بگیرند و خانه‌نشین شوند. مجموع این مفاهیم منجر به ناامنی جنسیتی در تأمین معاش می‌شود.

در جمع‌بندی، می‌توان گفت فقر در کنار نگاه جنسیتی به زنان سرپرست خانوار در مراجعه به مؤسسه‌های خیریه، وضعیتی را برای این زنان پدید می‌آورد که به شکل‌گیری ناامنی جنسیتی برای تأمین معاش قابل تفسیر است. وقتی زنی از سر استیصال به مؤسسه خیریه مراجعه می‌کند، این مراجعه پیامی است برای مؤسسه‌های خیریه مبنی بر اینکه زنان برای رهایی از ناامنی‌های موجود در جامعه به این مؤسسه‌ها مراجعه کرده‌اند؛ اما واقعیت آن است که زنان بعضاً در این محیط نیز احساس امنیت اجتماعی کافی ندارند. برعکس، اگر در این محیط با زنان با احترام رفتار شود، افراد جامعه می‌فهمند این زنان را نباید با انگ اجتماعی مورد خطاب قرار داد و اگر رفتارهای احترام‌آمیز با این زنان صورت نگیرد، زنان در محیط اجتماعی آسیب‌پذیرتر می‌شوند و تحقیرهای اجتماعی را به عنوان یک داغ بر خود می‌قبولانند. شناسایی تنگناهای فرهنگی و اجتماعی در این پژوهش گامی است که تعامل نهادهای حمایتی و مراجعه‌کننده را بهبود خواهد بخشید. همچنین، پژوهش‌هایی از این دست

راهنمودی هستند که ضمن اصلاح نگاه جامعه و اطرافیان به جایگاه زنان سرپرست خانوار، محیطی امن‌تر را برای زنان فراهم می‌کنند. از آنجا که مراجعه‌کنندگان به مؤسسه‌های خیریه و همه نهادهای حمایتی بیشتر زنان بی‌سرپرست و به خصوص مطلقه هستند، این مؤسسه‌ها می‌توانند ضمن استفاده از کارکنان زن با آموزش و برگزاری دوره‌های مشاوره‌ای در خصوص نحوه رفتار با مراجعان زن نیازمند، از نگاه فرودست، نیازمندانگاران و جنسیتی به این زنان بکاهند. همچنین، به منظور عدم تسری نگاه‌های فرودست انگارانه به جامعه، رسانه‌ها می‌توانند نقش فعال داشته باشند و الگوی صحیح مواجهه با زنان نیازمند را ترویج دهند. در قسمت یافته‌ها گفته شد زنان کم‌کم به ناتوان‌انگاری در خود می‌رسند. لازم است مؤسسه‌های خیریه در کنار کمک‌های مادی، کارگاه‌های توانمندسازی زنان را با استفاده از متخصصان در این حوزه برگزار کنند؛ زیرا همیشه کمک مستقیم راه‌گشا نیست. در نهایت اینکه نتایج این‌گونه پژوهش‌ها باید به مؤسسه‌های خیریه و سایر نهادهای حمایتی مرتبط با زنان گزارش شود تا با دقت و حساسیت بیشتری با زنان سرپرست خانوار نیازمند رفتار کنند و از تنگناهای اجتماعی و فرهنگی آنان بکاهند.

منابع فارسی

- استاندارداری خوزستان. (۱۴۰۳). *امور بانوان و خانواده استاندارد خوزستان*. قابل دسترسی در: <https://ostan-khz.ir>
- افراسیابی، ح.، و جهانگیری، س. (۱۳۹۵). آسیب‌شناسی تعاملات اجتماعی زنان سرپرست خانوار (مطالعه کیفی شهرستان شاهین شهر). *زن در توسعه و سیاست*، ۱۴ (۴)، ۴۳۲-۴۵۰. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.60963>
- امام جمعه زاده، س. ج.، رهبرقاضی، م. ر.، عیسی نژاد، ا.، و مرندي، ز. (۱۳۹۰). بررسی رابطه میان احساس محرومیت نسبی و مشارکت سیاسی در میان دانشجویان دانشگاه اصفهان. *دانش سیاسی*، ۱، ۳۷-۶۸. <https://doi.org/10.30497/pk.2012.778>
- امیرپناهی، م.، و نامیان، ف. (۱۴۰۳). فهم تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از فرودستی. *فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی*، ۲۴، ۹-۲۳. <https://doi.org/10.32598/refahj.24.92.4341.1>
- بابایی نصیر، م.، مومنی، ف.، رحمان زاده، س. ع.، ساروخانی، ب.، و باصری، ع. (۱۴۰۳). محرومیت‌های زنان سرپرست خانوار در تله‌های فضایی فقر (مطالعه‌ای تجربی در شهر تهران). *مسائل اجتماعی ایران*، ۱۵ (۱)، ۹-۳۹. <https://doi.org/10.61186/jspi.15.1.9>
- باسیتی، ش.، و مرادنوب، م. (۱۴۰۳). آسیب‌شناسی سبک زندگی مددجویان بهزیستی و ارائه راهکارها (مورد مطالعه: مددجویان شهر دامغان). *نشریه علوم اجتماعی دانشگاه فردوسی مشهد*، ۲۱ (۳)، ۸۵-۵۵. <https://doi.org/10.22067/social.2023.84162.1414>
- بختیاری، آ.، و مجبی، ف. (۱۳۸۵). حکومت و زنان سرپرست خانوار. *مطالعات راهبردی زنان*، ۳۴، ۶۷-۱۱۰. <https://www.sid.ir/paper/467432/fa>
- بهشتی، ص.، حیدری، آ.، و زاهدی، ح. (۱۴۰۲). آسیب‌شناسی سیاست‌های فقرزدایی کمیته امداد امام خمینی (ره) در مناطق روستایی (مورد مطالعه: مددجویان تحت پوشش در شهرستان تنگستان). *پژوهش‌های راهبردی مسائل اجتماعی ایران*، ۱۲ (۲)، ۵۳-۸۰. <https://doi.org/10.22108/srsp.2023.137606.1901>
- تبریزی کاهو، غ.، صالحی، ک.، کشاورز افشار، ح.، و مدنی، ی. (۱۴۰۲). پدیدارشناسی تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از حمایت‌های اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۳۴ (۱)، ۱۱۳-۱۳۸. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.133767.2294>
- حسنی، م. ر.، و محمدزاده، ف. (۱۴۰۲). مادری دلسوزانه؛ تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار از مادری. *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۱۰، ۲۱۵-۲۴۹. <https://doi.org/10.22080/ssi.2023.26192.2138>



- حکیم، ک. (۱۳۹۱). سرمایه جنسی و نقش آن در مناسبات قدرت جامعه (ژیلا سربانی، مترجم). آمستردام: کیپلفت.
- زارع، ر.، و صفری، م. (۱۳۹۸). عوامل مرتبط با فقر مطلق در خانواده های تحت پوشش نهادهای حمایتی استان فارس. رفاه اجتماعی، ۱۹، ۴۷-۹۶. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17358191.1398.19.74.10.5>
- سازمان اوقاف و امور خیریه. (۱۴۰۲). ارتقای مهارت و هم افزایی مؤسسات خیریه و سمن ها. قابل دسترسی در: <https://kheiriran.ir/0000S3>
- سازمان بهزیستی استان خوزستان. (۱۴۰۲ و ۱۴۰۴). مشارکت های مردمی و داوطلبانه کلید حل مکاتبات مددجویان است. قابل دسترسی در: <https://www.behzisti.ir/news/138300>
- سفیری، خ.، احیایی، پ.، و مرکزی، آ. (۱۳۹۹). بررسی جامعه شناختی احساس طردشدگی زنان در بین خانواده های زن سرپرست تحت پوشش اداره بهزیستی شهر مشهد. مطالعات اجتماعی روان شناختی زنان، ۱۸ (۱)، ۶۵-۱۰۴. <https://www.doi.org/10.22051/jwsps.2020.25224.1959>
- سفیری، خ.، و میرزایی، م. (۱۴۰۱). تجربه زیسته دختران حاشیه نشین از مفهوم «محرومیت»: مورد مطالعه منطقه حاشیه نشینی دولت آباد - استان کرمانشاه. پژوهش های راهبردی مسائل اجتماعی ایران، ۱۱ (۱)، ۳۳-۵۴. <https://doi.org/10.22108/srsp.2022.133198.1796>
- شادی طلب، ژ.، و گرایبی نژاد، ع. (۱۳۸۳). فقر زنان سرپرست خانوار. پژوهش زنان، ۲ (۱)، ۴۹-۷۰. <https://share.sid.ir/paper/55578/fa?media=1>
- شهریاری، ع.، سعادت مند، ز.، و فاتحی زاده، م. (۱۳۹۲). بررسی نیازهای آموزشی زنان سرپرست خانوار شاغل فرهنگی آموزش و پرورش. فصلنامه زن و جامعه، ۴، ۲۹-۴۶. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_282.html
- شیانی، م.، و زارع، ح. (۱۳۹۸). فراتحلیل مطالعات زنان سرپرست خانوار در ایران. مطالعات جامعه شناختی، ۲۶ (۲)، ۶۷-۹۷. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.75859>
- صدر نبوی، ف.، فولدیان، م.، دانشور، ه.، و آقاسی زاده، م. (۱۴۰۱). روایت پژوهی زندگی زنان سرپرست خانوار (ره) تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی. مطالعات زن و خانواده، ۱۰ (۱)، ۸۴-۱۰۶. <https://www.doi.org/10.22051/jwfs.2022.33699.2564>
- فیروزآبادی، س.ا.، و صادقی، ع. (۱۳۸۹). مطالعه ابعاد طرد اجتماعی زنان روستایی سرپرست خانوار در رابطه با وضعیت اشتغال و اقامت. فصلنامه زن در توسعه و سیاست، ۸ (۲)، ۹۳-۱۱۴. https://jwdp.ut.ac.ir/article_20838.html?lang=fa
- قادری، ص.، کریمی، ع.، سلیمانی، س.، کارگر اسفندآبادی، خ.، و عنبری روزبهانی، م. (۱۴۰۱). تجربه سرپرستی خانوار توسط زنان و چرخه بازتولید فلاکت (نمونه موردی: زنان سرپرست خانوار شهر کرج). مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، ۱۱ (۱)، ۱-۲۷. <https://doi.org/10.22059/jsr.2021.307490.1096>
- محسنی تبریزی، ع. (۱۳۸۳). سنجش میزان فالتیسم و رابطه آن با احساس کارآمدی و احساس بی قدرتی سیاسی در بین زنان بالغ مناطق شهری کشور. مطالعات فرهنگ ارتباطات، ۱۷، ۱۶۹-۲۰۱. <https://ensani.ir/fa/article/281045>
- محمدپور، ا. (۱۳۸۸). تحلیل داده های کیفی: رویه ها و مدل ها. مجله انسان شناسی، ۲ (۵)، ۱۲۷-۱۶۰. <https://ensani.ir/fa/article/131990/>
- مختاری، م.، و دهقانی، ح. (۱۴۰۰). تجربه زیسته زنان سرپرست خانوار در مناسبات اجتماعی در شهر یاسوج. مطالعات زن و خانواده، ۹، ۱۷۱-۱۰۱. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2021.34799.2634>
- مدنی قهفرخی، س.، و صفری، ک. (۱۳۹۹). بدن زیسته: کشاکش جامعه و بدن (واکاوی پدیدارشناختی روایت زنان از بدن). مطالعات جامعه شناختی، ۲۷ (۱)، ۲۸۹-۳۱۳. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.78518>



مرکز آمار ایران. (۱۴۰۲). ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی زنان در ایران، تهران.

<https://amar.org.ir/news/ID/15436/gozareshfarhangi041402>

وجدانی، ه.، عراقیان مجرد، ف.، محسنی پویا، ح.، آزادی، ف.، فاضلی، س.، ... و جویباری، ل. (۱۴۰۱). تبیین تجربیات زنان شاغل سرپرست خانواده تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی: نتایج یک مطالعه پدیدارشناسی. توسعه پرستاری در سلامت، ۱۳ (۳)، ۲۵-۳۵. <http://ndhj.lums.ac.ir/article-1-367-fa.html>

همتی، ر.، و کریمی، م. (۱۳۹۷). زنان مطلقه و تجربه سرپرستی خانوار: یک پژوهش کیفی (نمونه موردی زنان مطلقه سرپرست خانوار شهر فارس-ان). پژوهش‌نامه زنان، ۹، ۱۸۱-۲۱۱.

https://womenstudy.ihcs.ac.ir/article_3344.html?lang=fa

References

- Afrasiabi, H., & Jahangiri, S. (2016). Problems of social interactions of women head of household (Qualitative study amongst Shahin-Shahr women). *Woman in Development and Politics*, 14(4), 432-450. <https://doi.org/10.22059/jwdp.2016.60963> [In Persian]
- Amirpanahi M., & Namian, F. (2024). Understanding women's lived experience of inferiority. *Social Welfare Quarterly*, 24, 10-43. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17358191.1401.22.86.1.1> [In Persian]
- Babaei-Nasir, M., Momeni, F., & Rahmanzadeh, A. (2024). Deprivations of female-headed households in the spatial poverty traps (an empirical study in Tehran). *Social Problems of Iran*. 15(1), 9-39. <https://doi.org/10.61186/jspi.15.1.9> [In Persian]
- Bakhtiari, A., & Mohebi, S. F. (2006). The government and female heads of households. *Women's Strategic Studies*, 34, 67-110. <https://www.sid.ir/paper/467432/fa> [In Persian]
- Basity, Sh., & Moradinasab, M. (2024). Exploring the harms of lifestyle among welfare organization's help-seekers and presentation of solutions (Case study: Help-seekers in Damghan County). *Journal of Social Sciences*, 21(3), 55-85. <https://doi.org/10.22067/social.2023.84162.1414> [In Persian]
- Beheshti, S., Haydari, A., & Zahedi, H. (2023). Pathology of poverty reduction of imam khomeini's relief committee in rural areas (Case study: beneficiaries covered in Tangestan City). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 12(2), 53-80. <https://doi.org/10.22108/srspi.2023.137606.1901> [In Persian]
- Braun, V., & Clarke, V. (2006). Using thematic analysis in psychology. *Qualitative Research in Psychology*, 3(2), 77-101. <https://doi.org/10.1191/1478088706qp063oa>
- Chant, S. (2006). Re-thinking the "feminization of poverty" in relation to aggregate gender indices. *Journal of Human Development*, 7(2), 201-220. https://doi.org/10.1080/14649880600768538?urlappend=%3Futm_source%3Dresearchgate
- Chant, S. (2015). The 'Feminization of Poverty': A Reflection 20 Years After Beijing. United Nations Research Institute for Social Development. <http://www.unrisd.org/beijing+20-chant>
- Clair, M. (2018). Stigma. In: J. Michael Ryan (Ed.), *Core concepts in sociology*. Wiley Blackwell.
- El-Lawindi, M. I., Sabry, H., & Elsebai, E. (2018). Household headship and women's health: An exploratory study from Egypt. *The Egyptian Journal of Community Medicine*, 37 (2), 1-9. <https://doi.org/10.21608/ejcm.2019.30908>
- Emam Jome Zadeh, S. J., Rahbarghazi, M., Eysa Nezhad, O., & Marandi, Z. (2012). A study concerning the relationship between feeling of relative deprivation and political participation among the students in Isfahan University. *Political knowledge*, 8, 37-68. <https://doi.org/10.30497/pk.2012.778> [In Persian]
- Endowment and Charity Organization. (2023). *Improving skills and synergy between charities and associations*. Available at <https://kheiriran.ir/0000S3> [In Persian]



- Firouzabadi, S. A., & Sadeghi, A. (2010). An investigation on the dimensions of social exclusion of the rural female household heads in terms of employment and residence. *Woman in Development and Politics*, 8(2), 93-114. https://jwdp.ut.ac.ir/article_20838.html?lang=en [In Persian]
- Ghaderi, S., Karimi, A., Soleymani, S., Kargar Esfanabadi, Kh., & Anbari Roozbahani, M. (2022). The experiences of female-headed households and the cycle of misery (Case study of female-headed households in Karaj). *Quarterly of Social Studies Research in Iran*, 11(1), 1-27. <https://doi.org/10.22059/jisir.2021.307490.1096> [In Persian]
- Goffman, E. (1963). *Stigma: Notes on the management of spoiled identity*. New York: Simon & Schuster.
- Habib, T. Z. (2020). Becoming female head of a household: By force or by choice? *Open Access Library Journal*, 7. <https://doi.org/10.4236/oalib.1106825>
- Hakim, C. (2011). *Erotic capital and modern sexual politics* (J. Sarabi, Trans). Amsterdam. [In Persian]
- Harkness, S. (2018). *The economic consequences of becoming a lone mother*. In *Lone parenthood in the life course* (pp. 213-234). Springer, Cham.
- Hasani, M., & Mohammadzadeh, F. (2024). Compassionately mothering: Lived experience of female heads of households from mothering. *Sociology of Social Institutions*, 10, 215-249. <https://doi.org/10.22080/ssi.2023.26192.2138> [In Persian]
- Hemati, R., & Karimi, M. (2018). Divorced women and family supervision experience: A qualitative study (Case study: Divorced family-headed women of Farsan. *Women's Studies*, 9, 181-211. https://womenstudy.iics.ac.ir/article_3344.html?lang=fa [In Persian]
- Hübgen, S. (2018). *Only a husband away from poverty? Lone mothers' poverty risks in a European comparison*. In *Lone parenthood in the life course* (pp. 167-189). https://doi.org/10.1007/978-3-319-63295-7_8
- Hübgen, S. (2020). Understanding lone mothers' high poverty in Germany: Disentangling composition effects and effects of lone motherhood. *Advances in Life Course Research*, 44, 100327 <https://doi.org/10.1016/j.alcr.2020.100327>
- Kadaluka, G. Th. (2019). *Changing gender roles: Challenges and strategies of female headship in Motherwell* [Thesis]. Nelson Mandela Metropolitan University. <http://hdl.handle.net/10948/44541>
- Kim, D. S., Jeon, G. S., & Jang, S. N. (2010). Socioeconomic status, social support and self-rated health among lone mothers in South Korea. *International Journal of Public Health*, 55(6), 551-559. <https://doi.org/10.1007/s00038-010-0169-9>
- Khuzestan Governorate. (2024). *Women and family affairs office of Khuzestan Governorate*. Available at: <https://ostan-khz.ir> [In Persian]
- Khuzestan Provincial Welfare Organization. (2024 and 2025). *Public and voluntary participation is the key to solving the problems of the beneficiaries*. Available at: <https://www.behzisti.ir/news/138300/> [In Persian]
- Liu, C., Esteve, A., & Trevino, R. (2017). Female-headed households and living conditions in Latin America. *World Development*, 90, 311-328. <https://doi.org/10.1016/j.worlddev.2016.10.008>
- Madani Ghahfarokhi, S., & Safari, K. (2020). Lived body: The struggle of society and body (phenomenological reflection on women's narrations of body). *Sociological Studies*, 27(1), 289-313. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.78518> [In Persian]
- Melo, C. L. (2019). The feminization of poverty: A brief analysis of gender issues and poverty among women and girls. *The Canadian Journal of Critical Nursing Discourse*, 1(1), 73-81. <https://doi.org/10.25071/2291-5796.6>
- Milazzo, A., & Van de Walle, D. (2015). *Women left behind? Poverty and headship in Africa. Policy Research Working Paper*, 7331. <https://openknowledge.worldbank.org/server/api/core/bitstreams/36c14af3-4985-5ba5-be9a-7050fbf74fbd/content>
- Mohammadpour, A. (2009). Qualitative data analysis: Models and procedures. *Iranian Journal of Anthropology*, 2(5), 127-160. <https://ensani.ir/fa/article/131990/> [In Persian]



- Mohseni Tabrizi, A. (2004). Measuring Fatalism and its relationship with feelings of efficacy and feelings of political powerlessness among adult women in urban areas of the country. *Cultural – Communication Studies*, 17, 169-201. <https://ensani.ir/fa/article/281045> [In Persian]
- Mokhtari, M., & Dehghani, H. (2021). Lived experience of women-headed of households in social relations in Yasouj. *Journal of Woman and Family Studies*, 9, 78-101. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2021.34799.2634> [In Persian]
- Mortelmans, D., & Defever, C. (2018). *Income trajectories of lone parents after divorce: A view with Belgian register data*. In *Lone parenthood in the life course* (pp. 191-211). https://doi.org/10.1007/978-3-319-63295-7_9
- Mwangi, C. (2017). *An assessment of impact of poverty on female headed households in Kangemi, Kenya* [Doctoral dissertation, University of Nairobi].
- Sadrnabavi, F., Fouladiyan, F., Daneshvar H., & Aghasizadeh, M. (2022). A narrative study of the women heads of households' lives under the sponsorship of the Imam Khomeini Relief Committee. *Journal of Women and Studies*, 10, 84-106. <https://doi.org/10.22051/jwfs.2022.33699.2564> [In Persian]
- Safiri, Kh., Ehyaei, P., & Markazi, A. (2020). Sociological study of the sense of exclusion in female-headed households supported by welfare office in Mashhad. *Social Psychological Studies of Women*, 18(1), 65-104. <https://doi.org/10.22051/jwsps.2020.25224.1959> [In Persian]
- Safiri, Kh., & Mirzaei, M. (2022). The lived experience of marginalized girls from the concept of "deprivation" (Case study: Dolatabad Marginal Area, Kermanshah Province). *Strategic Research on Social Problems in Iran*, 11(1), 33-54. <https://doi.org/10.22108/srspi.2022.133198.1796> [In Persian]
- Shaditalab, Zh., & Garai Nejad, A. (2004). Poverty of female heads of households. *Woman in Development and Politics*, 2(1), 49-70. https://jwdp.ut.ac.ir/article_13272.html [In Persian]
- Shahriari, E., Saadatmand, Z., Fathi Zade M.S., & Mohagheghian, SH. (2013). An investigation of Training Needs of Household Women in Isfahan Cultural Education, *Women and Society*, 4(15), 29-46. https://jzvj.marvdasht.iau.ir/article_282.html?lang=en [In Persian]
- Shiyani, M., & Zare, H. (2020). A meta-analysis of female-headed household studies in Iran. *Sociological Review*, 26(2), 67-97. <https://doi.org/10.22059/jsr.2020.75859> [In Persian]
- Simons, A. M. W., Houkes, I., Koster, A., & Groffen, D. A. (2018). The silent burden of stigmatisation: A qualitative study among Dutch people with a low socioeconomic position. *BMC Public Health*, 18(1), 443. <https://doi.org/10.1186/s12889-018-5210-6>
- Stromquist, N. (2015). Women's empowerment and education: Linking knowledge to transformative action. *International Journal of Lifelong Education*, 50(3), 307-324. <https://doi.org/10.1111/ejed.12137>
- Statistical Center of Iran. (2023). *Economic and social characteristics of women in Iran, Tehran*. [In Persian]
- Tabrizikahou, G., Salehi, K., Keshavarz Afshar, H., & Madani, Y. (2023). Phenomenology of the consequences of women heads of households' perceptions of social support. *Journal of Applied Sociology*, 34(1), 113-138. <https://doi.org/10.22108/jas.2022.133767.2294> [In Persian]
- Vojdani H., Iraqis Mojarad, F., Mohseni Pouya, H., Azadi, F., Jooybari, L., ..., & Fazeli, S. (2022). Explaining the experiences of female-headed households covered by the Imam Khomeini Relief Committee: The results of a phenomenological study. *Nursing Development in Health*, 13(3), 25-35. <http://ndhj.lums.ac.ir/article-1-367-fa.html> [In Persian]
- Young, R. J. C. (2003). *Postcolonialism: A very short introduction*. Oxford: Oxford University Press.
- Zare R., & Safari, M. (2019). Analysis of factors affecting incidence of poverty in families receiving support from aid organizations: A case study of Imam Khomeini Relief Foundation in Fars Province, Iran. *Refahj*, 19, 47-96. <https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.17358191.1398.19.74.10.5> [In Persian]

